

مادر میگوید و از زمان روسها به
 "مردم" انقلاب اسلامی را علنا
 تهدید میکند.
 ملت ایران در دو جنبه
 علیه هم آمریکا و هم روسیه
 می جنگد. در همدان رئیس
 جمهور با حمایت مست های کرده
 کرده میگوید با نفوذ مردم به
 تهدیدات فاسیستی رگستان
 پاسخ داده و به صراحت میگوید
 ایران را به گورستان تجاوزات
 آمریکائی تبدیل خواهد نمود
 در همان زمان وزیر امور خارجه
 در نامه ای رسمی در برابر سر
 ارجات همسایه شمالی شجاعانه
 می ایستد و خطاب به آنها میگوید
 که تسلط شما هم کمتر از آمریکا
 نیست و ملت ایران ارعاب و
 زور را ارعاب هیچ قدرتی
 تحمل نخواهد کرد.
 بدین ترتیب، بار دیگر
 حرکت واقعی و روبه جویی
 انقلاب ایران نشان میدهد که
 این انقلاب را از مقابلسه و
 رودرروئی با هردو برتدورت
 گریزی نیست چرا که دو برتدورت
 هیچکدام خاصیتستند انقلاب
 ما را بحال خود گذارنده نیست
 از تحریکات و تهدید علیه آن بر
 دارند. درک این حقیقت سنگ
 بنای انقلاب اسلامی ایران
 فاسیستی اصلی سروری است
 وعدم درک آن بنا به ساده لوحی
 سیاسی و مقدسه سنگت با تریس
 آن خواهد بود.
 کسانی که ادعا میکنند
 سفاربه تری، نه تری به معنی
 گویند هردو برتدورت نیست
 و می خواهند با تکیه به روس
 بر آمریکا بیرون بیاورند و شعار
 "نه آمریکا نه روسیه" را بکشند
 مسخره نگین در حقیقت هر چه
 بنسربطلان ادعای خود را به
 ثبوت میرسانند، زیرا سیر
 حوادث روزمره هر چه سیر
 حقیقت این شعار را روشن
 میسازد:
 "نه آمریکا، نه روسیه،
 زنده باد ایران" مستقل و متکی
 بخود، "مرگ بر هر سربسوخ
 و استکبار"
 آری اینست شعار زنده و
 نویانی که آینه را سمت و سیر
 میدهد و استقلال کامل و حقیقی
 کشور را تضمین می نماید.

آیت الله منتظری: اعضای دولت باید از متن اجتماع جوشیده باشند

آیت الله منتظری در
 خطبه های نماز جمعه در قم با
 توجه به خطیر بودن وظیفه نخست
 وزیر در حال مسائل و دنیا زهای
 مردم خطاب به آقای رجائی
 گفتند:
 حدود سه سال است ملت
 مسلمان ایران همش شعار
 داشتند خواهش میکنم این
 دولتی که شما در نظر میگیرید
 برای آینده ما، دیگر دولت
 حرف و مصاحبه نباشد، همش به
 حرف و ده های سرخرمن و به
 مصاحبه را دیونولیزون تمام
 نشود.
 سپس آقای منتظری در
 مورد اینکه دولت باید به
 زحمتکشان که ستون اصلی
 انقلاب هستند توجه خاصی
 بنمایند و به سروسامان دادن وضع
 آنان بپردازد گفت:
 اعضای دولت آدمهای
 فعالی باشند که در مردم رادریک
 کرده باشند، از متن اجتماع
 جوشیده باشند، دردهای اجتماع
 دردهای افراد طبقه سه ملت،
 دردهای کشاورزان و کارگران
 که تولید کنندگان مواد آیین
 مملکت هستند، دردهای اینها
 رادریک کنند، و برای این ملت
 بدون و نخواسته باشند در
 وزارتخانه ها بنشینند، کمیسیون
 و کنفرانس و سمینار را حذف
 کنند، بیاید و بید و داخل ملت
 شد و کمبودها و خلاها را درک

افغانستان رژیم کارمل در آستانه سقوط

در صفحه ۵

و گفتگو و اعتراض آنان است.
 اکثر کارخانجات تولیدی
 از هفته اخیر بمدت ۱۵ - ۲۰ روز
 تعطیل سالانه دارند و بسیاری
 از واحدها بحالت تعطیل و نیمه
 تعطیل درآمده اند. عده ای از
 کارخانجات در روزهای قبل از
 تعطیلی سالانه مجبور به
 پرداخت نیمی از "سودویزه"
 کارگران شده اند ولی بخش
 دیگری از کارگران بولسی
 دریافت نکرده اند و همچنین

چرا امسکو در انتخابات کاخ سفید از کارتر حمایت میکند؟

اما مرور زمان نشان
 داد که از وی عملا در محاصره
 اقتصادی روسیه شرکت نکرده
 از همان ابتدا زبیکسار
 دست رئیس جمهور فرانسه
 اعلام کرد که اگر چه فرانسه
 قصد محکوم کردن روسیه را به
 خاطر اشغال افغانستان دارد،
 ولی خواهان ایجاد هیچگونه
 محدودیت اقتصادی برای آن کشور
 نیست. اروپا حتی در تحریم
 المپیک فعال نبود. از
 کشورهای اروپای غربی
 نیز فقط سه کشور، نروژ، آلمان
 و اسپانیا المپیک مسکورا به
 طور کامل تحریم کردند.
 کشورهای اروپا بدرج
 روابط سردی را که در اثر
 اشغال افغانستان در مناسبات
 شرق و غرب بوجود آمده بود، بر
 طرف میگردند. دیدار برزنف
 و ژسکار رستن در خردادماه
 ۱۵۹۰ و لین دیدار دور شمس
 کشورهای شرق و غرب بعدادار
 اشغال افغانستان بود. سر
 از این دیدار، هلموت اسمت
 صدراعظم آلمان راهی مسکو
 شد. ویک قرارداد ۲۵ ساله را با
 روسیه امضا کرد که طی آن
 قرارداد آلمان در زمینه های
 اکتشافات نفت و گاز، توسعه

هر جا که کارگران و جوشیده
 دارند اعتراض خود را نسبت به
 لغو "سودویزه" اعلام میکنند و
 مشکلات خود را با ما در میان
 میگذارند:
 - کارخانه نوشابه سازی
 ساان:
 اینبار به کارخانه نوشابه
 سازی ساان که تولیدکننده
 کوکا کولا، گانادا درای، سون
 آپ، سودا و غیره است فی -
 روم. در این کارخانه بفسیر

میکنند.
 کارگری میگوید: "وضع
 این کارخانه از نظر شیفت
 کاری هنوز مثل سالهای طاغوت
 است یعنی کارگران باید در
 شیفت ۱۲ ساعته کار کنند. وضع
 حقوق ما از زمان رژیم
 گذشته زیاده تر شده است ولی
 کفاف زندگی نمیکند و ما با
 لغو قانون سودویزه مخالف
 هستیم."
 - علی پیرامی یکی
 دیگر از کارگران میگوید: "من
 ۱۲ سال است که اینجا کار می -
 کنم و ۹۰۰۰۰ ریال دارم. قبلا
 از انقلاب حقوقم روزی ۴۶ تومان
 بود ولی حالا به ۵۰۰۰۰ تومان
 رسیده است، اما اگر حق بیمه
 مالیات و غیره را کم کنید در این
 وضع گرانی چیزی نمیماند.
 سال ۵۸ حدود ۴-۳ ماه حقوق
 بعنوان سودویزه، یاداش،
 عیدی و غیره میدادند و حالا
 میخواهند بجا ی همه آنها فقط
 ۲ ماه حقوق در سال بدهند و این
 به ضرر ما است زندگی ما هم باید
 بچرخد. اگر سودویزه را لغو
 میکنند بناچار حق ما را زیاد
 کنند تا بتوانیم از سر خرج
 زن و بچه ها بمان برآئیم
 ما را امام خمینی میخواهیم
 که بوضع ما رسیدگی کند."
 تا سر برزگر که بعنوان
 کارگرما ختمانی برای این
 کارخانه کار میکند میگوید:
 "۷ سال است که برای

تقیه در صفحه ۲

«شورای کارکنان» ابزار مبارزه ضدامپریالیستی یا هراس از تشکل های مستقل کارگری؟

در صفحه ۳

نظر کارگران در مورد...

بقیه از صفحه اول

این کارخانه کار می‌کنم و بسا اینک حق بیمه، مالیات و بقیه چیزها را از حقوق کم می‌کنند ما هنوز که هنوز است من را رسمی نکرده اند. حقوق ماهی ۲۵۰۰ تومان است و ماهی ۲۵۰۰ تومان کرایه خانه می‌دهم. روزیکبار با بیدگ فوطی شیر خشک به قیمت ۲۵ تومان برای من بخرم. با این وضع کم کردن درآمد، دیگر خیلی بی‌انصافی است. وی در مورد سود کارخانه می‌گوید: "ما از امام و بنی صدر میخواهیم که از سود کارخانه به ما هم بدهند. هرچی باشد همه کارگران از بعد از انقلاب با همه نیرویستان کار کرده اند که تولید را پائین نیاورند پس ما هم حقوق داریم که از نعمات انقلاب برخوردار باشیم."

یکی دیگر از کارگران می‌گوید: "در دوران انقلاب که اعلامیه‌های امام به دستمان می‌رسید آنها را در بین مردم بخش می‌کردیم. در همه مدت انقلاب با سینه سپر کرده در مقابل کلوله‌ها، در نظاهرات شرکت کردیم و حالا انتظار داریم یا لغو سود ویژه درآمد ما را کم کنند." این کارگر در جواب به سوال این سؤال که کارگران اگر در مورد لغو سود ویژه چه می‌کنند، می‌فرازد:

"عده‌ای می‌گویند باید بسا مثل مملکت بهتر فکسر کنیم و بلافاصله عکس العمل نشان ندهیم و قدری بگذاریم تا ببینیم بطور قطعی کار به کجا می‌گردد و سپس دست بکار شویم. عده‌ای دیگر هم می‌گویند بلافاصله باید دست به مبارزه بزنیم و جلوی لغو قطعی سود ویژه را بگیریم." کارگران از بنی صدر ریاست جمهوری پشتیبان نمی‌کنند و می‌گویند وزیران دولت جدید باید به او کمک کنند تا بهتر بشود مشکلات کنونی را حل کرد. در جواب این سؤال که دولت جدید چه

کند و خلاصه کاری کند که کارگر از این انقلاب ناراحت نباشد. و دوم جلوی کشت و کشتاری رویه را بگیرد و امنیت را راتا مین کند.

کارخانه جنرال ظایر و رابیر: در کارخانه جنرال ظایر و رابیر ایران هستیم، کارخانه تعطیل است ولی با چند نفر موفق به صحبت می‌شویم. این کارخانه که دارای ۱۲۰۰ کارگر و کارمندی با تبعه اروپایی است انقلاب تا کنون بصورت مرتب کار کرده و تولید آن پائین نیامده است.

یکی از کارگران که کارگر پخت ظایر می‌باشد و ۱۲ سال است در این کارخانه کار می‌کند در مورد سود ویژه چنین گفت: "آنچه که از دسترنج کار ما بدست می‌آید و حاصل کار کارخانه را با بیدما بدهند نه اینک از حقوق ما بیرون بکشند. همگی ما در این انقلاب شرکت داشتیم و مستضعفین اصلی که ما ما مورثین جمهوری می‌گوییم کارگران هستیم. پس به این شکل نشود که من و خانواده ام و دیگر کارگران کر سنه ما نیم‌ولی مسئولین بیایند و حاصل رنج ما را به بنیاد مستضعفین بدهند. آخر چرا؟ ما کارگران هم با سود از خودمان سازندگی نشان بدهیم و در مرغوبیت جنس و در حفظ انضباط کارگاه کوشا باشیم و تولید بیشتری به میهن عرضه کنیم."

همین کارگر در مورد بالا رفتن هزینه زندگی می‌گوید: "هزینه زندگی سرسام‌آور و بالا رفته است. هیچ‌گونه ضابطه‌ای در کار نیست. حقوق روزانه من ۱۰۸ تومان است تا زه از این مبلغ، مالیات، حق بیمه و مسکن را کم می‌کنند. آیا بسا باقی مانده این حقوق میتوان عسر عاثر را اداره کرد؟ من خواهان اضافه حقوق نیستم ولی باید هر چه زود تر سطح زندگی را پائین بیاورند و جلوی گران فروشی را بگیرند." من مخالف لغو سود ویژه هستم و ما میخواهیم که وزارت کار

بپردازند. آیا در یک کارگاه پخت ظایر که یک لاستیک حداقل ۲۰ کیلو وزن دارد و کارگر در یک حرارت ۵۰ درجه کار میکند با یک کار دیگر که سبکتر است نباید فرق داشته باشد؟ اکثر بچه‌های این کارخانه بسا شکمشان آب بسته است و بسا کمربان دینک دارند. آیا با این وضع میتوان حقوق ما را با حقوق کارمندان دولتی مقایسه کرد؟ من برای پیروزی این انقلاب تا پای جان ایستادگی خواهم کرد ولی باید دید که همه چیز گران شده است و با شکم گرسنه نمی‌شود کارگر.

شرکت سها می‌ریسندگی مدار: شرکت سها می‌ریسندگی مدار که در حدود ۳۰۰ کارگر کار می‌کنند چیزی بنام سود ویژه تا کنون پرداخت نکرده اند و به گفته یکی از کارگران قبلاً از تعطیلات تا بستن یک میلیون تومان پول را با یک طرح طبقه بندی بین کارگرانی که بیشتر از ۶ سال در این کارخانه کار می‌کنند بطور مساوی تقسیم کردند و آنها که پائین تر از ۶ سال در اینجا کار می‌کنند چیزی دریافت نکرده اند. این پول حقوق عقب افتاده آنها بوده است.

این کارگر در مورد سود ویژه می‌گوید: "مبلغی که در گذشته بماند کم بود و اگر حقوق ما را در نظر بگیریم در مقابل این همه گرانی دیگر چیزی نمی‌ماند که آقاییان میخواهند آنرا نیز لغو بکنند. افرادی که این کارخانه همان افراد ازمان طاقوت هستند و هنوز هم اگر بخواهییم حرفی در کارخانه بزنیم فوراً به ما ضدا انقلاب می‌گویند و تهدید می‌کنند. در این کارخانه قبل از انقلاب هم که میخواستیم حرفی بزنیم می‌گفتند خرابکار پس چه فرقی کرده است؟ او می‌گوید که روح انقلاب به این مرکز تولیدی نیامده است و اکثر کارگران اعتراض دارند و بارها شده است که میخواهند با دیووتلو بیرون مشکلات خود را در میان بگذارند که تا

جرا مسکود را انتخابات...

بقیه از صفحه اول

روسیه برای سرکردگی بر جهان آمریکا کرجه به ثبوت نیروی نظامی و پایگاه‌های غنود و بدست آوردن پایگاه‌های جدیدی در نقاط مختلف جهان بویژه در خاور میانه میاندازد. اما با یور مشخص در قبال تهاجمات روسیه عکس-العمل چندان از خود نشان نداده است.

عکس العمل آمریکا در مورد اشغال نظامی افغانستان اقدام به محاصره اقتصادی بوده که عملایی نتیجه ماندوبه یک تهدید بیوج و تو خالی مبدل گردید.

از سوی دیگر روسیه در تلاش برای سرکردگی بر جهان، با اشغال افغانستان یک قدم بزرگ به جلو بر داشته است. این تهاجمات روسیه خواهد توانست مقاومت دلبران خلق افغانستان را در هم بشکند و خیر خوار از بخت ماست، اما روسیه اشغال افغانستان را در مناسبات بین المللی در ارتباط با غرب تثبیت کرده است، تیرگیهای ناشی از آن سرا که در روابطش با غرب ایجاد شده بود پشت سر گذاشته و با مذاکرات را با غرب از نو باز کرده است. در حقیقت روسیه افغانستان را اشغال کرده است، اما مناسباتش را با غرب به حالت قبل از اشغال افغانستان برگردانده است. یعنی دوباره جا نه زنده ها بر سر تعداد اسلحه‌های گوناگون هسته‌ای، قرارداد های جدید برای توسعه و رشد صنعت روسیه، بحثهای مختلف در مورد صلح و امنیت جهان و غیره شروع شده است.

روسیه تمام اینها را مدیون دوگانگی و عدم طبیعت در سیاست خارجی آمریکا که توسط دولت کارتر اعلام میشود. از اینروست که ما هده می‌کنیم روسیه پس از عادی کردن روابط خود با آمریکا، مشتاق است که این سیاست و عا مسل

شناخته شد. ولی کار ترسعی میکند این قرارداد را دست آوردی برای آمریکا قلمداد کند و آن بهره تبلیغاتی بگیرد.

از اینرو روسیه در این میان بیچاره است. روسیه از یک طرف با حمله به ریگان و خالی قبهای نظامی اوستی میکند ریگان را عامل جنگ جهانی دیگری متعرف می‌کند. و از سوی دیگر "سالت ۲" را بعنوان سبب آزار و د کردن سلاح استراتژیک و اجتناب از جنگ جهانی تبلیغ میکند. علاوه بر این آندره گرومیکو وزیر امور خارجه روسیه تقاضای دیدار با سکی همتای خویش را کرده است. علاقمندی روسیه را برای امضای هر چه زودتر "سالت ۲" دوباره عنوان کند. و بدین ترتیب روسیه بنبغ کارتر و وارد دعوی کارتر و ریگان بر سر قرارداد "سالت ۲" شده است.

یکی دیگر از مسائل که در انتخابات آمریکا مطرح میباشد، مسئله رابطه بیلی کارتر برادر رئیس جمهور با دولت لیبی است. اتهام بیلی کارتر گرفتن رشوه از دولت لیبی بمنظور تحت تاثر قرارداد مناسبات خارجی آمریکا بنبغ لیبی می باشد. مخالفین کارتر مسئله بیلی کارتر را بیگ جریان وسیع علیه کارتر تبدیل کردند و کوشیدند و را بی اعتبار تر سازند.

درست در اوج جریان، قذافی در مصاحبه‌ای با روزنامه نگاران خارجی اظهار داشت که رابطه دولت لیبی و بیلی کارتر صرفاً یک رابطه تجاری بوده است. وی همچنین گفت دولت لیبی هرگز بیه بیلی کارتر رشوه نداده است بلکه برای مسائل تجاری مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰ دلار وام بیوی داده است. مفسرین سیاسی با توجه به گرایش دولت لیبی به روسیه این مصاحبه مطبوعاً تفسیری را مطلقاً در خدمت رفع جوابهام

اخبار نیروهای سیاسی

توفان

با مغز خود بیاندیشیم!

"توفان"، ارگان "سازمان" ما رکیستی لنینیستی توفان، در شماره ۲۰۴ خود در مقاله‌ای تحت عنوان: "با مغز خود بیاندیشیم"، به تجاربی که کمونیستهای ایران از مبارزه با دنیا لروی بیجون و چرای حزب توده از منی و سیاست رویزیونیستی شوروی و مستقل اندیشیدن و مستقل عمل کردن به دست آورده اند، اشاره کرده و یادآوری می‌شود: "خیانت حزب توده ایران آنطور که برخی از سازمانها می‌بینند رندتتها در پیروی از رویزیونیسم نیست، در اطاعت کورکورانه و بوبرده وار از امپریالیسم نیرومند شوروی است. در اینست که این حزب بجای آنکه به آرمانهای مقدس خلق ایران بپندیشد از قزاقی دردست خداوندان کرملین برای تامین منافع و مطامع آزمندان و استعمارگران آنهاست."

"توفان" سپس به نقیض مزورانه‌ها رودسته رهبری ضد انقلابی و خائن حزب توده در دفاع از حاکمین در ایران اشاره می‌نماید و می‌نویسد که این عمل: "از رویزیونیسم آن سرچشمه نمی‌گیرد بلکه ناشی از آن است که این حزب سرداران آن در خدمت امپریالیسم روس است سیاست و منی آنها تابع سیاست امپریالیسم در صحنه ایران است." "توفان" سپس می‌افزاید: "آنها با پیشروی و به تمام سوسیالیسم که خود را با نشان

عجبا که گفتا ر شما ... بقیه از صفحه اول

روز پنجشنبه رنجبر منتشر کنیم در همین شماره در صفحه ۴ درج نموده ایم.)
این نامه از همه نظر نمونه و قابل تحسین است و بسندون تردیدمنا به یک سند تاریخی در روابط بین المللی ایران بجای خواهد ماند. در این نامه وزیر امور خارجه به مقابله با خیره سری مقامات روس برخاسته و تحریکات متعدد آنها را که در زمینه های مختلف علیه استقلال و تمامیت ارضی کشورها صورت گرفته و میگیرد میداند. افشا میکند و نشان میدهد که "شیطنت آنها کمتر از آمریکا نیست."

پاسخ وزارت امور خارجه که با توجه به پخش و تبلیغ وسیع آن از صدا و سیما و جمهوری اسلامی نشاندهنده جنبه کاملاً رسمی آن بمثابه یک سند دولت جمهوری اسلامی ایران است، عملی است که ملا درخور وقاحت امپریالیستی تزارهای نوین کرملمین. زیرا آنان می پنداشتند که با توسل به ارباب و نیرنگ می توانستند جمهوری اسلامی را ترسانند و یا فریب دهند و آنرا به راه مماشات با خود بکشانند لکن پاسخ صریح، قاطع و روشن وزارت امور خارجه میدهمای خوش آنرا به یاس تبدیل می سازد. این نومیدی، تزارهای روس را به آنچنان خشمی فرو می برد که بلافاصله در روزنامه مردم که بحق نا شرافکار آنها است اعلام میکنند: "نامه قطب زاده سرنوشت انقلاب را مورد مغایرت قرار میدهد."

برای کسانی که به زبان مسکو وادی ایرانی آن آشنائی دارند روشن است که جمله فوق تهدیدی است آشکار علیه انقلاب اسلامی ایران، انقلابی که خواهد سرنوشت خود را بکلی

جدا از وابستگی به آمریکا و روسیه بدست توده های خلسق خود تعیین نماید و طبیعی است که در این حرکت استقلال طلبانه خود از جانب دو ابرقدرت مورد مغایرت قرار بگیرد و از جانب آنان وایادی شان این چنین آشکارا مورد تهدید واقع شود. با علم باین مسائل است که با یدنیروهای استقلال طلب از قضا یا درس بگیرند. زیرا ما شا هدیم که چگونه در ماههای اخیر همپا با تشدید حملات روسیه و عمال ایرانی آن در حزب توده علیه سیاست خارجی نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی علیه شخصی صادق قطب زاده حملات جناح های انحصار طلب داخلی نیز علیه وزیر امور خارجه بالا گرفت تا جائی که این دویورش یکی از جانب نیروهای فداخلفی و دیگری از جانب بخشی از نیروهای خلقی متاسفانه کاملاً همکاسه شدند و جبهه هواداران انقیاد ملی را به سردمداری بانند کیا نوری تقویت کردند. بدین ترتیب هم منظور که در نامه وزیر امور خارجه بدرستی آمده است، عوامل آموزش دیده و ستون پنجم شوروی در ایران یعنی حزب توده و روسان مه مگردم در "تحریک اختلاف و نفاق در بین دولتمردان و ملت" شدیداً فعال شود و از انحصار طلبی به بهترین وجهی به سود مقاصد پلید خود استفاده کردند. "تذکار" ریه "گرومیکو در آستانه تشکیل کا بینه دقیقاً در خدمت هدفی است که از مدتی پیش روسها و عوامل آنها آنرا بگیرانه دنیا ل نموده اند یعنی حمله به صادق قطب زاده و در حقیقت به سیاست خارجی اصولی نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد جو ارباب برای اینکه خط استوار نه شرقی نه غربی در کا بینه جدید راه پیدا نکند و مدارا جوئی نسبت به شوروی در سیاست خارجی حاکم گردد.

اگر چه روسها و بانند کیا نوری حملات خود را بر روی صادق قطب زاده متمرکز کرده اند اما روشن است که دعوی اصلی بر سر شخص قطب زاده نیست، گوا اینکه ایشان نقش اساسی در تکامل و تدوین و توفیق اصول سیاست خارجی نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده اند. صحبت بر سر سیاست است، سیاستی که ابر قدرت روس و عمال آن در حزب توده میکوشند با تمام قوا آنرا درهم کوبند. این سیاست را با ید مورد پشتیبانی کامل قرار داد، دنبال نمود، نگامل بخشید و در کا بینه جدید در زمینه سیاست خارجی حاکم گرداند. اینست پاسخ درست و انقلابی به "شیطنت" ها و باج خواهی ها و زورگوئیهای تزارهای نوین کرملمین.

ایران گورستان تجا وزگران...

بقیه از صفحه اول
ونفاق فرا هم میگردد و دشمنان متاقا در میشود جمهوری را مورد تجا و زقرارد دهند. آقای بنی صدر سپس روز جمعه از همدان به کرمانشاه مسافرت کردند تا به مسائل و مشکلات استان کرمانشاهان رسیدگی کنند. در ایستگاه آقای بنی صدر در جلسه مدیران و مسئولان کرمانشاهان شرکت کردند. در این جلسه وی در مورد پاکسازی ادارات، امنیت منطقه، وحدت نیروهای مسلح و مسئله تغییر حاکمیت دفاعی ایران به حالت تجا و زقراردت تجا و زات عراق صحبت نمودند.

آنگاه آقای بنی صدر در اجتماع عظیم مردم کرمانشاه شرکت کرده و در مورد تجا و زات عراق و لزوم وحدت نیروهای مسلح و دخالت افراد غیر مسئول در این نیروها چنین گفتند: دولت بعثی عراق هیچ روزی را برای تجا و ز به مرزهای ما از دست

در آستانه انتخابات آمریکا شکل روشن و آشکاری بخود گرفته است.
روسیه با تمام قوا سعی میکند که در انتخابات آمریکا بنفع کارتر که از برکت وجود وی مسئله افغانستان فراموش شده، وروال عادی در مناسبات شرق و غرب پدیدار گشته، تبلیغات کند. یکی از حربیه های تبلیغاتی کارتر قرار داد محدود کردن سلاح استراتژیک "سالت ۲" میباشد. این قرار داد که به روسیه امکان میدهد در زمینه های گوناگون تعداد سلاح استراتژیک از آمریکا عقب تراست خود را به پای وی برساند با روح ماجراجویانه جمهوری خواهان و نماینده آنان ریگان سازگار نیست. از این نظر در کنگره حزب جمهوری خواه که برای تعیین ناممزد ریاست جمهوری تشکیل شده بود، این قرار داد مورد

نداده است. در چند استان کشور ما خرابکاران آن دولت به خرابکاری های مستمر پرداختند و ما را در موقع و موضع دفاعی قرار داده اند. و اینک به نیروهای مسلح جمهوری دستنخور داده شده است که به دشمنان در هیچ جا مجال و امان ندهند. و امیدوارم نیروهای مسلح ما به دولت عراق بفهمانند که این روحیه تجا و زطلبی آن دولت به چه قیمت گرانسی برایش تمام میشود. در داخل مرزها نیز نیروهای مسلح ما با ید آرایش هجوم و توسعه دامنه حاکمیت دولت را پیدا کنند.

آقای بنی صدر در مورد هماهنگی بین نیروهای مسلح و لزوم عدم دخالت افراد مسئول در آنها گفت: بسیاری اینکه ما در مرزها امنیت پیدا کنیم و در داخل مرزها نیز نیروهای وابسته و مزاحم نظم را سرکوب کنیم و کشور اسلامی ما را به امنیت رهبری

که روسیه میتوانست به جیمس کارتر کند، قلمداد کردند. حملات شدید کا ستروبیه ریگان و تشبیه سیاستهای وی با سیاستهای هیتلر، نمونه دیگری است که نشان میدهد دستگاه تبلیغاتی روسیه چگونه در انتخابات آمریکا فعلاً نه دخالت کرده و بنفع کارتر موضعگیری میکند. نتیجه گیری کنیم شواهد و مدارک فوق نشان میدهد که در آستانه انتخابات آمریکا روسیه با پشت سر گذاشتن دوران متلاطم در مناسباتش با آمریکا که ناشی از اشغال نظامی افغانستان بود، سعی در تقویت و تحکیم سیاست مدارا جویی در آمریکا می نماید. و از این نیز با فراطر گذاشته و در تبلیغات انتخابات انتخاباتی آمریکا بطور فعال بنفع کارتر و علیه ریگان شرکت میکند. البته با ید توجه نبود

کنیم، نیروهای مسلح با ید هماهنگی میکردند. و ما برآنیم که این هماهنگی را بوجود آوریم. امیدواریم آنها بی که سعی خود را در داخل است، در نیروهای مسلح گذاشته اند کمی فرصت داده مانع و مشکل نتراشند، تا نیروهای مسلح ما بتوانند در اجتماع بزرگ مشا به آنها که توطئه میکنند و نیز بدولت بعثی عراق و حامیان آمریکا تیش بگوئیم ملت ما امروز ما دگی کاملاً دارد تا با توطئه گری های مسلح و غیر مسلح با کمالات قدرت روبرو شود.

و تبلیغ سیاست توسعه طلبانه آن در ایران و جهان پرداخته اند معلوم میشود در این مملکت "هرت" میتوان با نام "امام" سودا کرد و بهر کارنا شایسته و ناهنجاری دست با ید و بنام مبارزه با امپریالیسم آمریکا آشکارا به طرفداری از امپریالیسم روس برخاست...

که مخالفت روسیه با ریگان نه بخاطر خصوصیت فاشیستی ریگان وستم و ظلمی که از سیاستهای وی برخلق آمریکا و سایر خلقهای جهان خواهد رفت، میباشد. بلکه حرکت ابر قدرت روسیه در این امر، از منافع استراتژی جویانه اش و این امکان که شاید در وضع موجود ساده تر بتواند به سرگردگی خود بر جهان تحقق بخشد، ناشی میشود.

رنجبر
از گان حزب رنجبران ایران
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز دلوزی
مدیر مسئول: علی حجت
دفتر رنجبر در اشغال یکی از مراکز خودکامه است.
دفتر پستی: تهران - صدامق پستی ۱۴۰۱-۱۴۰۲
مناخه پستی ۱۵
چاپ زندگی

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید
بانک ملی ایران
کمیته های خود را
چاپ بانکی زیر بارش نماند: تهران - شعبه خیابان ایران شهر
شماره حساب ۱۵۳۶

«شورای اسلامی کار کنان»

ابزار مبارزه ضد امپریالیستی یا هر اس از تشکل های مستقل کارگری؟

اخیرا در رابطه با تشکیل "شوراهای اسلامی کار کنان" اطلاعاتی از طرف وزارت کار و امور اجتماعی منتشر شده است.

در این اطلاعیه، ضمن اعلام تصویب قانون تشکیل این شوراهای توسط شورای انقلاب، به "عده ثلثی افراد وابسته به گروههای چپ و راست" اشاره شده است که با انجام یک سری اقدامات تلاش دارند "از پی ریزی و تصویب این نهادهای اسلامی جلوگیری نمایند".

در همین رابطه، اطلاعیه از "کارگران مسلمان متدین و موافقین به انقلاب اسلامی" تقاضا کرده است که "نظم و آرامش و انضباط را در محیط کار حفظ نموده و با همکاری و تقاضای هم جهت بیشتر جریحهای اقتصادی کشور را با سرعت بیشتری به کسرتش در آورند....".

اطلاعیه در خاتمه متذکر شده است که: "وزارت کار و امور اجتماعی حداکثر سعی خود را در تدوین آئیننامه اجرائی شوراهای کارمیدروا میدوار است که بزودی انتخابات شوراهای اسلامی کارکنان را در سرانجام مملکت آغاز نماید." (روزنامه انقلاب اسلامی، سه شنبه ۷ مرداد ۱۳۵۹).

این اطلاعیه شامل چند نکته اساسی است که تا قبل تا مل می باشد و ما در زیر سعی می کنیم نظرات خود را در رابطه با این نکات بیان نمائیم. ۱- دولت با قانونی کردن "شوراهای اسلامی کارکنان"، قصد دارد این شوراهای را به عنوان تنها سازمان قانونی که حق فعالیت انحصاری در کارخانهها خواهد داشت،

وزارت کار چه "رسالتی" برای به انجام رساندن "انتخابات" شوراهای دارد؟ این امر دقیقاً نشان میدهد که این شوراهای چکمه وزارت کار قرار دارند و به سختی نفس می کشند آیا در چنین صورت، "شوراهای اسلامی کارکنان" به همان سرنوشت سندیکا های فرمایشی دوران طاغوت دچار نخواهند شد؟

«شورای کار کنان»

با سندیکا

فرق دارد؟

با این تفصیل، این سوال مطرح میشود که: چرا دولت ب فکر قالب کردن "شوراهای اسلامی کارکنان" به کارکنان راجعش افتاده است؟

آیا این کار در رابطه با "مبارزه ضد امپریالیستی" و یا حرکت از "نیاز به وحدت خلق" در مبارزه ضد امپریالیستی است؟ و یا ناشی از همسراسی نیروهای انحصار طلب و سرمایه داران و دست اندرکاران از ایجاد سازمانهای مستقل کارگری در کارخانهها، می باشد؟

در این حرفی نیست که کسانی که به نفع این "شوراهای" تبلیغ میکنند و برای آن بقیه جرمیده دهند، از احساسات توده کارگر و تنفر آنها از سندیکاهای فرمایشی دوران طاغوت، برای جا انداختن "شوراهای" دست بخت خود به عنوان "تنها سازمان کارخانه"، سواستفاده کرده و می کنند.

مختلط" (شورای کارکنان) به جز موارد استثنائی نشان میدهد که: بیشتر این شوراهای در عمل خصلت بوروکراتیک به خود گرفته و از توده کارگران جدا شده اند و به ایزد دست سرمایه داران و دولت تبدیل شده اند. در مواردی هم که این شوراهای کارآیی داشته باشند و خواسته اند از منافع کارگران و سایر کارکنان دفاع نمایند مورد بغض و کینه کارکنان قرار گرفته و تا رومار شده اند.

و در مواردی که در اثر بافتاری و مبارزه خود کارگران شوراهای موجود در کارخانهها صرفاً کارگری بوده و عملاً به منافع سندیکاها عمل کرده اند، از جانب "کسانی که خواهان برقراری شوراهای مختلط و تبدیل کردن آنها به شعبات حزبی بوده اند"، مورد سرکوب قرار گرفته اند و در بسیاری از موارد نمایندگان اعضا و این شوراهای از کار اخراج شده و حتی تحویل زندان شده اند. کجاست خفقان در کارخانهها و لطمه خوردن به تولید بوده است...

بسیاری از این شوراهای عملاً به صورت شورای کارمندان و مهندسان و سرپرستان قسمتها و بطور کلی نماینده مدیریت در آمده اند. و کارگران در این شوراهای علیرغم کثرتشان در اقلیت قرار گرفته و نقش جدائی در شوراهای آنهاست. همبستگی امربا عتایجاد بی تفاوتی در میان کارکنان نسبت به شوراهای و تا حدودی به نفی شکل یافتن شده است. و از آنجا که اینگونه "شوراهای" بیشتر حالت و نقش نماینده دولت را ایفا میکنند

کارکنان" و بطور کلی "شوراهای مختلط" و تحمیل آن به کارکنان میتواند مدت مدیدی در ایجاد تشکل های صرفاً کارگری (سندیکا و...) اختلال نماید، ولی سرانجام این شوراهای ناچارند راه را برای سندیکا و... باز کنند و خود را کنار بکشند. به چه دلیل؟ به هزار دلیل! از جمله، تضاد ناگهانی پذیرش میان کار و سرمایه فروشنده نیروی کار و سرمایه خریدار نیروی کار و ضرورت ایجاد "جنبه مشترک فروشنده کارکنان نیروی کار" یعنی کارکنان در مقابل کارفرماها همچنین وجود عناصر آگاه در میان طبقه کارگر، وجود تشکل های مستقل و مبارز کارگری که حتی درجه نسبتاً مستقل "شوراهای مختلط" نیز به حیات خود ادامه میدهند، وجود حزب و سازمانهای کارگری که برای متشکل کردن کارکنان مبارزه میکنند.... و از همه مهمتر، وجود وضع نا بسامان اقتصادی کشور، بیگاری گران و غیره که بار سنگین آن بردوش کارکنان و سایر حجتگنان قرار دارد و عوامل دیگر، باعث می شوند که جریان عمومی ایجاد تشکل های مستقل کارگری تشدید گردد.

اینها عواملی هستند که دولت و کارفرماها قادر به درک آنها نیستند و با چشم خود را بر روی آنها بسته اند.

بنابراین هیچ عاملی قادر نیست کارکنان را از تشکل و وحدت، از ایجاد تشکل های مستقل خود در جهت دفاع از منافع مشروع و عادلانه خویش و از امر دفاع از منافع مجموعه انقلاب، بازدارد.

کارکنان میهن ما هشیارند و با ریه های حاکمین را گه نا شی از منافع انحصار طلبانه آنها و در جهت تحکیم و تثبیت منافع نامشروع سرمایه داران به قیمت محرومیت خانه خرابی کارکنان و تداوم ستم بر زحمتگنان و تضییع حقوق حقه کارکنان است، به خوبی می شناسند و در برابر آن مقاومت خواهند کرد.

حرف آخر با کارگران است!

"شوراهای اسلامی کارکنان"، با توجه به جنبه های منفی، انحصار طلبانه، تضاد افکنانه، تحمیلی بودن و ضد کارگری بودن خود، با عکس العمل منفی کارکنان و اعتراض و مقاومت آنان روبرو خواهد شد، و کارکنان با فشاری زوی وحدت و تشکل خود، او همام و خیالات کسانی را که تضادهای طبقاتی را در آنها قهای در بسته حل و فصل می کنند و با خودشان خیالی های خویش آنها را به "تفاهم" و "همکاری" و "سازش" تبدیل می سازند،

نقش بر آب خواهد ساخت. کارکنان در طی یکسال ونیم گذشته با رها به "مسئولین امور"، به دولت و به وزارت کار هشدار داده اند که:

* مسائل صنفی را با جریانات عقیدتی و مکتبی قاطی نکنید! (رنجبر ۷۰)

* به قانونی احترام می گذاریم که در نوشتن و پیاده کردن آن، نمایندگان واقعی ما داخل داشته باشند! (رنجبر ۵۹)

* و... وزارت کار را این خیالونکنه که ما میذاریم تا دوباره برامون قانون درست کنه - ما قانونی رو قبول داریم که کارکنان با اکثریت بنویسند (یعنی اکثریت باید از نمایندگان واقعی ما باشند) تا بقیه زندگیمون در ترس و دلهره نگذرونیم! (رنجبر ۵۸)

ولی کجوش شنوا! با وجود این همه هشدارها، باز هم تصمیماتی که می تواند بنویسد خود را سرنوشت انقلاب بسازی کند در آنها در بسته و توسط مشتی بوروکرات ضد کارگر، گرفته می شود.

شکی وجود ندارد که موج بر توان سازمانی کارکنان بیا خواهد خاست و هر مانعی را که بر سر راه تشکل کارکنان باشد و بخواد در بین کارکنان تفرقه و تشتت ایجاد کند از پیش پای خود برخواهد داشت! حرف آخر را کارکنان خواهند زد!

اخبار و گزارشاتی کوتاه، از زحمتگنان شیراز

این ترتیب، دولت صریحاً وجود سندیگاها ویا شوراها را مستقل کارگری را بکلی نفی میکند! ۲- موج جریان انحصار طلبی دامنگیر این "شوراها" هم شده است، وانحصار طلبان قصد دارند در زیر پوشش مسائل عقیدتی، شوراها را عملاً به صورت یک ابزار بوروکراتیک و چماقی برای سرکوب خواسته‌های عادلانه و بحق کارگران و اعمال قدرت استبدادی و تسویه حسابهای سیاسی، تملک کارخانه و بالاخره، استعاده از کارگران برای جنگ انداختن به قدرت سیاسی، تبدیل نمایند! ۳- انحصار طلبان با طرح مسائل عقیدتی و دخالت دادن آن در تشکیل شوراها، قصد دارند در صفوف کارگران چند دستگی و نفاق ایجاد کنند و با اینکار عملاً پادرجسای "حزب نماها" قرار داده و با ایجاد فقره و چند دستگی در میان کارگران، مانع از ایجاد شکلیت مستقل سراسری کارگران می گردند.

۴- کسانی که خود عامل ایجاد بی نظمی، هرج و مرج و عدم انضباط در کشور و کارکنی و اخلاف در کارخانه‌ها هستند، وقتی پای منافع طبقاتی خودشان به میان می آید، با طرح "خطر نوطنشده آمریکا" و "ضرورت تطبیع وابستگی به بیگانگان"، کارگران را دعوت به "حفظ نظم و آرامش و انضباط" و همکاری و نفاهم می نمایند.

۵- برابری معجزه، هر گونه اعتراضی را به "عده طلبی افراد وابسته به گروه‌های چپ و راست نسبت داده و حاضر نیستند قبول کنند که خود کارگران هم نسبت به جنبش "شوراها" بی‌سور و کراتیک و دست یخت دولت، اعتراضی داشته باشند! ۶- و بالاخره، چرا وزارت کار، مسئول سرکرای انتخابات این شوراهاست؟! اگر معتقدید که شوراها یک نهاد مستقل اسلامی هستند و مستقل اردولت عمل می کنند، بیاید برای این

مداخله این شوراها هستند حتی پای انکار یک سوری بدیهیات رفته اند. آنها میگویند: "در سابق از آنجا که کارگران را فراموش وجود داشت بنا بر این سازمانی برای دفاع از حقوق کارگران لازم بود، ولی امروز که اکثر صنایع متعلق به دولت اسلامی است دیگر کارگران را فراموش معنی ندارد و همه برادرند و بنا بر این نیازی به تشکیلات مستقل کارگری (سندیگا و...) نیست و همه میتوانند و یا بیدر "یک شکل" و آن هم: "شورای کارکنان" قرار بگیرند!"

واقعیت چیست؟

واقعیت این است که: "شورای کارکنان" یک وظیفه دارد و تشکیلات مستقل صنفی - سیاسی کارگران، خواه به صورت سندیگا یا شورا، وظیفه دیگری به عهده دارد. شوراها یا سالم کارکنان میتوانند وجود داشته باشند و دفاع از منافع کلی کارکنان به ویژه کارگران را به پیش برده و در حل و فصل مشکلات تولیدی، کمک نمایند. ولی این کاری نبود و کارگران باید شکل های صرفاً کارگری خود را، چه به صورت سندیگا یا شورای کارگری داشته باشند و از این طریق به وسیله نمایندگان خود در "شورای کارکنان" شرکت نمایند. (رجوع کنید به "رنجیر" شماره ۲۳، دوره قدیم، ۲۳ جدید و "رنجیر ماها نه" شماره ۵).

«شوراها» کارکنان آزمایش خود را داده اند

نجات یکسال و نیم گذشته از عملکرد «شوراها»

به دستاوردهای انقلاب را در میان کارگران بوجود می آوردند. با چنین تحارب تلخ و کلاه عملگردها و شوراها مختلط کارکنان وجود دارد، جدا صراحتی برای تثبیت، تحکیم، بسط و گسترش و تحمیل آنها به کارگران است؟! همین اصرار و لجباج دولت، انحصار طلبان سیاسی و صاحبان قدرت برای تشکیل این شوراها و حفظ آنها، آن هم در شرایطی که ستم و زورگویی و اجحاف به کارکنان شدت یافته است و ضرورت متشکل شدن کارگران در سازمانهای صنفی - سیاسی خود به یک وظیفه صریح و حیاتی مبدل شده است، می تواند کارگری را که از "شوراها" مختلط "خیسری ندیده است، به تعمق و تفکر وادارد و این سوال را برای او مطرح کند که: "چرا اینها و چرا از رفتن به سوی سندیگاها و شوراها صرفاً کارگری بر حذر می دارند؟! بعد، و خود به به مقایسه این دو نوع تشکل می پردازد، و خود انتخاب می کند.

آیا «شوراها» کارکنان» مانع از متشکل شدن کارگران خواهند شد؟!

در رایطه نا اوضاع فعلی و اشتباهی که دولت برای تحمیل «شوراها» اسلامی کارکنان به کارکنان دارد این سوال مطرح میشود که: آیا وجود چنین شوراها، جلوی وجود آمدن تشکل های واقعی و مستقل کارگری را در کارخانه ها سد خواهد کرد یا خیر؟

واقعیت این است که: اصرار در احداث «شوراها» اسلامی

مخبر وم شیراز

روز ۲۳ تیر ماه در حدود چهل تن از زنان شیراز در حالی که شماره های با عنوان "سازمان کارکنان شیشا" میخواستند به کارکنان شیشا (با) می شوری ها هنگامی که کارکنان شیشا را با خود حمل می نمودند در مقابل ساختمان داری فارس اجتماع کردند. چند تن از این زنان در گفتگویی با خبرنگار رنجیر گفتند: تا حدود ۵۰ هزار نفریم که ما کن کرمان سا و احوال بودیم برای بافتن کاربست شیراز آمدیم. به هر حال مراجعه کردیم، کاری گیران نیامد و ما به ترتیب در اثر بیگاری دست به گدایی زدیم ولی ما را گرفتند و از این کار منع کردند.

در این مدت ما در کارکنان (انتهایی که ما میخواستیم) ساختار داشتیم و زندگی کردیم و در محله "بیل آباد" ساکن هستیم. حالا ما از رنجیری، بیگاری و بیگاری خانم ها جانمان بیدار شده است و آمده ایم تا مسئولین فکری بحالمان بکنند. زنان اجتماع کننده در مقابل ساختمان داری شیراز ایستادیم و گفتند که شوراها ما مدتهاست که بدست کارکنان خود ما از آن خبری نداریم."

سرگردانی کارگران اینچیز است، ساپین، شاه آباد و این اسکو

جندی بین کارگران شرکت گاز شیراز برای بر آوردن درخواستهای خود، مشخص شدند. کارگران متحصن در گفتگویی با خبرنگار رنجیر گفتند: ما در حدود ۴۰۰ کارگر شرکتی اینچیزا، ساپین، شاه آباد و این اسکو هستیم که اکنون بعد از ۱۸ ماه بیگاری در شیراز زلوف میباشیم. بیست روز قبل در اداره گاز شیراز با توانی آقای مبین فخری اسبابدار شیراز، رئیس اسبابدار شیراز و چندین دیگر قرار شد که حقوق ۵ ماهه ما را بدهند ولی الان بعد از گذشت سه روز کارگران متحصن از وجود کارهای در ادارات بسیار کله میگردند و میگفتند هنوز آن نامه برای ما ارسال نشده است و حق ما تا تسبیع می شود. کارگران می رسیدند که چنانچه بین آنان و دیگر برادران کارگران دریا سوخ

در آن رژیم ظالم بود حالا هم ظالم است

کارفرمایان از ۲۲ سال کار، آقای بابا خان وفایی را اخراج کرده است. همسر این کارگر به خبرنگار رنجیر گفت: در شیراز گفته است: "توسه من مدت ۲۲ سال است در کارگاه سوراخکاری شیراز کار کرده و بعد از آن یکسال کار او را اخراج کرده اند. حالا گفتند ما حق؟ آنجا سالی که ما به کار خود رسیدیم، حالا هم سر ما به دار هستند و ظلم میکنند. حالا در آن رژیم سر ما به دارها ظلم می کردند، حالا در این رژیم سر ما به دارها ظلم می کنند. البته از این که رژیم عوض شد خوشحالم ولی وضع مثل سابق است. آقای وفایی کارگر اخراجی که شدیدا به خشم آمده بود اظهار داشت: "کارفرمایان برای اینکه من برای آقای حقوقم کار نمیکنم گفته است که در اداره کار، اخوانی دارد. اگر اداره کار یکبارم رسیدگی کند، من میروم کمیته آقایا. اگر آنجا هم کسی بیاورد رسیدگی نکند، میروم پیش آقای بنی صدر....."

اخراج تدریجی کارگران در شرکت چارتر

کارفرمای "فارس چوت" تاکنون ۲۵ تن از کارگران شرکت ساختمانی "چارتر" را که در نظر او تشریح کرده است، اخراج کرده است. کلیت این اخراجها طرف دریا سوخ است. ابراهیم مالکی کارگر رنجیری که اخیراً از این شرکت اخراج شده است، چنین درددل میگرد: "ما ۲۳ نفر بودیم، از ساعت ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار میکردیم، و حقوق ما نیز از ۳۱ سال پیش تا بحال از ۲۵ تومان به روزی ۵۰ تومان رسیده بود. کارفرما تقریباً از ۲ ماه پیش، تدریجاً شروع به اخراج ما کرد. اداره کار برای دوش از ما کارگران با ۳۱ سال

کارگری که طلبند دستمزدها بیشتر کرده است

نویان حق و حقوقی آسراج تعیین کرده است. درددل ما کار را به فقط ۲ هزار تومان بها بدهند؟" کارگرد دیگری گفت: "حقوق روزهای جمعه ما را هم بر دادخت میکردند، بیشتر از ۲ هزار تومان میشد." **سوءاستفاده کارفرما از بیسوادی کارگران** در چند شماره پیش رنجیر خبر اخراج عتی از کارگران آن حق حقوقی حاج قربانسی حنا را بجای رسیده بود. کارگران اخراجی در تماسی با خبرنگار رنجیر اطلاع دادند که کارفرما حمله کرد و اداره کار قبول کرد که بی از پرداخت ۲۲۶۰ تومان بپردازد کارگران را. بعنوان مزایای یکسال کار آنان را مجدداً استعدا نماید. کارفرما کلاهبرداری از پول کارگری این مسئله را بیسوادی کارگران رنجیر سواستفاده کرده و بیس از دوروز از کارگران انتظار داشته است که آنان با دریافت مبلغ ۲۲۶۰ تومان دیگر هیچ حق و حقوقی نگاری نرود و دارند. کارگران که از فریبکاری کارفرما بخشم آمده بودند، هر چه بد این دروازه سرزند، نتیجه ای نمیگیرند.

نامه به رنجیر: حقوق کارگران باز نشسته و از کار افتاده تبریز را بدهید

ما به کویا می رانگه در زیر میخواستند در مورد عقب افتادن حقوق کارگران تبریز و از کار افتاده نوشته شده که عیناً اقدام به چاپ آن میشود. کارگران بازنشسته که سالیان سال نیروی کار خود را فروخته اند و امروز دیگر توانایی کار ندارند و کارگری که در اثر نامی محیط کار یا عوامل دیگری کار افتاده اند و قادر به ادامه کار نیستند، چند ماه است که بخاطر مبلغ ۱۷۱۰ هزار تومان برای دریافت مبلغ ۱۷۱۰ هزار تومان سرگردان بنشینند دستمزدها را از مسئولین بدان سن خون فقرات انقلاب که بعد از انقلاب فروختن شیر، جان خود را زشت شده اند، این است؟ مسئولین وزارت کار باید هر چه زودتر به این کارها با ما می در مورد پرداخت ما به کارگران بازنشسته و از کار افتاده تبریز با نامه دهند.

«عجبا که گفتار شما سو سیالیستی و کردار شما امپریالیستی است»

متن کامل
نامه وزیر امور خارجه
در پاسخ به تذکریه
گرومیگو:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای آندره آندرویچ گرومیگو
وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - مسکو

عالیجناب :

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۵۹/۴/۱۸ تذکریه‌ای از طرف وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی دریافت نمود که شامل کله‌ها و اعتراضاتی بود که ذیلاً به آنها میپردازیم ولی قبل از آنکه نکات مورد نظر دولت شما و متقابلاً نظرات دولت ما عنوان شود به ذکر علت اساسی تحریر این نامه بعنوان جنابعالی اشاره میکنیم.

عالیجناب، شما بیگمان بر سابقه‌ترین وزیر امور خارجه جهان هستید و همچنین نماینده یکی از دو ابرقدرت حاکم بر گیتی و سایرین هم تجربه‌ای عظیم در امور بین‌المللی را دارا هستید و هم توانستاید در برتو درایت و ساینگی خویش در شرایط و اوضاع و احوال متفاوت در سمت وزیر امور خارجه شوروی انجام وظیفه نمائید و نیز دولت شما بعنوان یک ابرقدرت قادر است با امکانات عظیمی که خاص ابرقدرتهاست در بود و نبود کشورها و دولتها و افراد نقش قاطعی ایفا کند. این موفقیت ممتازی که از آن برخوردارید دولتمردان را بر آن میدارد که در ابراز عقاید و نظرات خود جانب حزم احتیاط را فرو نگذارند و مطالب حقه خود را با زبانی عنوان کنند که موجبات تکدر خاطرنان را فراهم نسازد بویژه وقتی که طرف همسایه دیوار بدیوار شما و شاهد تلاش عظیم دولت شما در استقرار و تحکیم سلطه خود بر بخشهایی از جهان بوده باشد که قشون کسی به افغانستان نازده‌ترین نمونه آن بشمار است. لکن آنچه مرا بعنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که کمترین مدت را در این سمت خدمت نموده و نماینده نوبت‌ترین جمهوری جهان میباشم بر آن میدارد که نامهایی با احترام کامل ولی با صراحت انقلابی برایشان بنویسم اینست که حقایق را بی هیچ برده‌پوشی و صادقانه با شما در میان گذارم و از ذکر واقعیات هر اندازه ناخوشایند نهراسم و مطالب را آنطور که به نظر می‌رسد بگویم باشد که این شیوه آغازگر طرحی نو در مکاتبات سیاسی بشمار آید و در حد تاب و توان در آن اثری از دروغ و پرده‌پوشی و دورویی به چشم نچورد. کسی چه میدانند شاید نسلهای آینده بالاخره برای بحاب خود این روش را انتخاب نمایند. اگر ما موفق شدیم اس‌سه، اس‌مدها، کنیم حداقل.

یک لحظه دست از توطئه و دخالت در امور داخلی ما برداشت و در صحنه بین‌المللی هم هر روز به تحریکی تازه دست زد و ضد - انقلاب را در ایران تقویت نمود تا آنجا که دانشجویان عزیز و گمنام ما مجبور شدند لانه جاسوسی آنها را تصرف کنند و ملت هم این عمل را تأیید کرد و امام ما هم آمریکا را شیطان بزرگ لقب داد. متأسفانه شما هم در عمل نشان دادید که کمتر از آمریکا شیطنت ندارید. تحریکات شما در پاره‌ای مناطق مرزی ما قابل کتمان نیست. بعنوان نمونه چند موردی را که آقای صادق طباطبائی بصورت سؤال از سفیر شما در زمان دولت موقت مطرح کرده بودند و هرگز جوابی دریافت نداشتند مطرح میکنم و در انتظار شنیدن جواب آن هستیم.

الف - مقدار بسیار زیادی اسلحه‌های بسته‌بندی شده ساخت شوروی در بسته‌های دست‌نخورده در مهاباد کردستان پیدا شده بود به اینگونه اسلحه‌ها نه ارتش ایران، نه عراق و نه ارتش ترکیه به آن مجهز هستند. و سؤال این بود که چگونه این اسلحه‌های مدرن غیر موجود در منطقه بدست ضدانقلابیون فعال در کردستان افتاده بود ب - پول رایج روسیه برخلاف کشورهای آزاد دنیا در خارج از آن کشور ارزشی ندارد. تبدیل روبل به تومان را در خارج از

«عجبا که گفتار شما سو سیالیستی و کردار شما امپریالیستی است و ما نمیدانیم این تفاوت بین قول و فعل را چگونه تفسیر کنیم. از طرفی چگونه میتوانیم اطمینان داشته باشیم که بلوچستان ما در مرزهای افغانستان مورد تجاوز وزارتت شما قرار نخواهد گرفت.»

مرزهای شوروی و بارکست وجوهات آرا به کردستان چگونه توجیه میکنید.

ج - اعمار شوروی که بر فراز ایران پرواز میکردند از مواضع نظامی ما در کردستان عکس‌برداری میکردند و این عکسها را در اختیار ضدانقلاب قرار داده‌اند. سؤال این است که یا در پایگاههای شما جاسوسان آمریکائی مستقر هستند.

ما در مرزهای افغانستان مورد تجاوز ارتش شما قرار نخواهد گرفت در حالیکه نمایندگان شما تا یک هفته قبل از قشون کسی به افغانستان رسماً و بارها تکرار میکردند که هرگز چنین قصدی را ندارند و عنوان کردن دخالت ارتش سرخ به افغانستان را تبلیغات امپریالیستی میدانند، بعد از آن هم که ارتش سرخ به بیانه آنکه دولت افغانستان از آنها خواسته که وارد خاک آن کشور شوند وارد شدند و درخواست‌کننده را نیز از بین بردند.

۶ - شما خود را طرفدار مسلمانان و مخالف صهیونیستها معرفی میکنید و از خواسته‌های اعراب و فلسطین پشتیبانی مینمائید ما این گفته را چگونه باور کنیم در حالیکه به رای‌العین میبینیم ارتش شما به خاک کشور مسلمان دیگری چون افغانستان تجاوز میکند. اگر ارتش شوروی افغانستان را تخلیه کند تمام نیروهای مسلمان برای آزادی فلسطین علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی بسیج میشود ولی تجاوز شما به افغانستان این نیروها را از مسیر اصلی حرکت آن که علیه امپریالیسم و صهیونیسم است منحرف کرده است باعث تعجب است که حقیقتی به این روشنی تاکنون مورد توجه شما قرار نگرفته است.

پس از ذکر این مطالب اجازه میخواهم که نکات مذکور در تذکریه شما را با همان صراحت انقلابی جواب بدهم:

۱ - در تذکریه آمده است که مقامات ایرانی به خود اجازه داده‌اند که همه‌گونه جعلیات را در مورد سیاست شوروی نسبت به ایران با وارد آوردن اتهامات دروغین به سفارت شوروی در تهران اظهار نمایند. در این باب امیدوارم که توجه داشته باشید که به بن رهبری امام که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گردید کشور ما از سیاستی مستقل و به دور از هرگونه وابستگی به شرق و غرب فکر و عمل پیروی میکند و بهمین جهت دلائل ناخشنودی خود را از سیاست دولت شما صریحاً در این نامه متذکر شده‌ام و اینک میخواهم اضافه کنم که از این پس چنین لحنی را در یک تذکریه قبول نخواهیم کرد و هر بیان خصمی را با همان خشونت پاسخ خواهیم گفت. ضمناً فراموش نکنید که رساندهای گروهی شما نیز از وارد کردن تهمت و افترا به مقامات ایرانی فروگذار نکرده‌اند برای مثال جعل خبر ملاقات وزیر امور خارجه ایران با شاپور بختیار در زنجو که حقیقت آن ملاقات بختیار با نمایندگان شما یعنی حزب کمونیست سوئیس بوده است.

دو روش قرار میگیرند یکی همان روش کهنه دوزوتی و دروغگوئی و مجامله در صحنه سیاست جهان که بارها آنرا آزموده‌اند و دیگری روش مبتنی بر صراحت انقلابی و آنگاه برایشان اختیار و امکان انتخاب وجود خواهد داشت.

نکته دیگر آنکه انقلاب اسلامی ما حوالی است و رهبری گرجه سالخورده ولی شکست‌ناپذیر دارد که نسبت به اصول مورد اعتقاد خود چون کوه پابرجاست و ما را نیز سالیان دراز در همین جهت تربیت کرده است و ما نیز موهبت استادی او را قدر میدانیم و ارج مینهمیم و میکوشیم چنان عمل کنیم که امام ما میخواهد و ملت ما طالب آنست. انقلاب جوشان و خوان ما که در پرتو حمایت خداوند متعال از جذبیه دو ابرقدرت جهان مضمون مانده است در ما شور و صداقت انقلابی را زنده نگاه میدارد و با این شور و صداقت مواج است که من لازم میدانم حقایق را بیان دارم و از شما نیز توقع دارم که گرجه از سرچشمه انقلاب بزرگ خود سالیان دراز است که فاصله گرفته‌اید بکوشید تا صفای نخستین روزهای انقلاب را در خود زنده کنید و با آن روحیه به مطالبی که در زیر عنوان میشود بذل توجه فرمائید:

۱ - جمهوری جوان اسلامی ما پنجه در پنجه ابرقدرت سلطه‌طلب آمریکا دارد و ملت مبارزه بی‌امان و خستگی‌ناپذیری را علیه آن سالهاست که آغاز کرده و در سال گذشته به اوج خود رسانیده است و این پیکار را تا کسب استقلال و حاکمیت کامل کشورمان همچنان ادامه خواهد داد. بنابراین حساب ما با ابرقدرت آمریکا روشن و موضع ما در این راه صریح و قاطع است.

۲ - فراموش نمیکنیم که دولت شوروی در نیم قرن گذشته خصوصاً پس از شهریور ۱۳۲۰ (سینامبر ۱۹۴۱) با ملت ما چه کرده است، حمله به کشور ما به بهانه حضور و فعالیت نازیها در ایران به استناد فصول تحمیلی ۵ و ۶ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و روسیه شوروی و تسخیر بخشی از خاک مقدس وطن ما و بدنبال آن پیدایش حزبی که از بدو تشکیل تاکنون ستون پنجم دولت شما در خاک کشور عزیز ما بوده و هنوز هم هست. بعد از کودتای آمریکائی ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) ما حتی یکبار هم نشنیدیم که ایرانیان مقیم کشور شما علیه رژیم جنایتکار پهلوی در دوران ۲۵ ساله بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد تظاهراتی برپا کنند درحالیکه دانشجویان ایرانی در سراسر گیتی حداقل این امکان را داشتند که رژیم خائن پهلوی را با تظاهرات و نشریات خود رسوا نمایند.

باز هم فراموش نمیکنیم که رهبران شما و دولت‌های اقمارتان در جشنهای ننگین ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دوشادوش رهبران آمریکا و دستیاران آن مشارکت داشته‌اند و در همان سال قحطی و فقر مردم روستانشین ما را وادار کرده بود که در مقابل قوت لایموت فرزندان خود را در کنار جاده‌ها به بیع و شرا بگذارند. باین ترتیب ملت ما نمیتوانست قرق زیادی بین سوسیالیسم شما و سرمایه‌داری آمریکا مشاهده کند.

چنانکه میدانید پس از پیروزی انقلاب پرشکوه اسلامی بر اساس گفته‌های امامان اعلام کردیم که گذشته‌ها گذشته و شاید از این پس ابرقدرتها از مداخله در امور داخلی کشورمان خودداری کنند. این شاید نه از بابت ساده‌لوحی سیاسی بلکه ناشی از صداقت انقلابی ما نسبت به همه بود چون گفته بودیم که گذشته‌ها را میبخشیم خواستیم به گفته خود عمل کنیم وگرنه هرکس میدانند قدرتمند دست از اعمال قدرت و زور بر نمیدارد. امپریالیسم آمریکا

شما عوامل خود را پس از سالها آموزش خاص روانه ایران کردید و ستون پنجم خود یعنی حزب شناخته‌شده‌ای را تجدیدسازمان نمودید و روزنامه ناشر افکار خود را بنام آنان منتشر ساخته و از هرگونه کمک مادی و معنوی به آنان دریغ نوزدید تا در تحریک و ایجاد اختلاف و نفاق در بین دولتمردان و ملت از هر جهت مجبزه باشند. اعضای سفارتخانه و کنسولگریها و سایر موسسات شما از تماس با دشمنان انقلاب ما و جمع‌آوری اطلاعات کوتاهی نکردند. گوئی که ایران بعد از انقلاب گوشت قربانی است که باید آنرا قطعه‌قطعه کرد و به تاراج برد.

۳ - در همان حال که امپریالیسم آمریکا و دستیارانش انقلاب اسلامی ما را بباد ناسزا و استهزا میگرفتند حتی یکبار هم شما در رسانه‌های گروهی خود صفت انقلاب ما را که اسلامی است ذکر نکردید و از آن بعنوان "انقلاب دیکتاتیک مردم ایران" نام بردید و حتی اجازه ندادید لاف‌خیزان شما در روزنامه ناشر افکارتان در ایران نیز بر حسب ظاهر هم که شده انقلاب ما را با صفت اسلامی آن بخوانند. خدمتگزاران شما در ایران تا بدانجا پیش رفته‌اند که شخص رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ما را مورد حمله قرار میدهند که چرا بعضاً "در گفته‌های خود اتحاد جماهیر شوروی را روسیه و "انقلاب سوسیالیستی شوروی" را انقلاب روسیه نام میبرند. مایه حیرت است یا اینهمه حساسیتی که نسبت به نام و نشان رسمی خود ابراز میکنید نسبت به نام همسایه خود تا این اندازه بی‌اعتنائی نشان میدهید.

۴ - شورای انقلاب اسلامی ایران همزمان با لغو قرارداد همکاری مشترک ۱۹۵۹ ایران و ایالات متحده آمریکا فصول تحمیلی ۵ و ۶ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و روسیه شوروی را نیز ملغی - الاثر اعلام نمود. کمال تأسف را داریم که دولت شوروی علیرغم این واقعیت که فصول مزبور سالیان دراز است که اعتبار قانونی خود را از دست داده است هنوز به خواسته مشروع ایران در این مورد توجهی ننموده و این تصمیم استقلال‌طلبانه را مورد تأیید قرار نداده است. در این نبرد مرگ و زندگی که میان ملت ما و امپریالیسم آمریکا درگیر است احتمال تجاوز نظامی آمریکا به خاک کشور ما بعید به نظر نمیرسد. آنچه موجب نگرانی عمیق ماست اینکه فصول ۵ و ۶ عهدنامه ۱۹۲۱ مزبور دستاویزی برای تجاوز و تعرض به خاک میهن ما قرار گیرد.

۵ - در حین کشاکش ما با آمریکا ناگهان دولت شما به بهانه پوچ به کشور همسایه و هم‌کیش ما افغانستان لشکر می‌کشد و مقاومت دلیرانه مردم این سرزمین را با آتش و خون درهم میکوبد و ما میبینیم که آمریکا و دستیارانش دست از پا خطا نمیکنند و فقط به حملات لفظی اکتفا مینمایند. پس ما حق داریم بدگمان شویم که در تقسیم غنائم هردو ابرقدرت زیر پرده توافق کرده‌اند و نگران آن باشیم که نسبت به انقلاب ما در پشت پرده چه میگذرد. تا آنجا که مربوط به ماست میتوانید اطمینان داشته باشید که تا آخرین نفر و نفس برای حفظ استقلال و هویت اسلامی و ملی خود خواهیم جنگید و در همین حال حق داریم در صداقت اظهارات همسایه بزرگ شمالی خود دایر بر عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها با توجه به نمونه افغانستان دچار تردید و بدگمانی شویم. عجیباً که گفتار شما سوسیالیستی و کردار شما امپریالیستی است و ما نمیدانیم این تفاوت بین قول و فعل را چگونه تفسیر کنیم. از طرفی چگونه میتوانیم اطمینان داشته باشیم که بلوچستان

در بالا گفته شد جای حتمی است که تا بحال تعرضی به سفارتتان نشده است. وجود و فعالیت سفارتخانه‌های کشورهای مختلف در ایران مورد استقبال ماست ولی بدیهی است که ما مراکز جاسوسی را نمیتوانیم تحمل کنیم و امیدواریم نه فقط دولت شما بلکه سایر دولتها نیز به این واقعیت توجه عاجل و سریع مبذول دارند. اکنون برای ما این سؤال مطرح میشود که چگونه در مدت ۲۵ سال حکومت جبار شاه حتی یکبار در کشور شما از طرف ایرانیان مقیم تظاهراتی علیه رژیم گذشته انجام نگرفت ولی در زمان حاضر علیه جمهوری اسلامی ایران در مقابل سرکنسولگری ایران در باکو تظاهرات برپا میشود.

۳ - در تذکاریه آمده است که "مبارزه‌های همه‌جانبه علیه اتحاد جماهیر شوروی در ایران آغاز شده"، اگر مقصودتان از مبارزه همه‌جانبه علیه شوروی اخراج دبیران سفارت شوروی در تهران میباشد باید مجدداً "و صریحاً" گفته شود متأسفانه نه تنها وی بلکه بسیاری از مامورین شما بجای انجام کارهای جاری و عادی یک سفارتخانه واقعی به جاسوسی اشتغال دارند و بهتر است هرچه زودتر اینگونه اعمال خاتمه پذیرد.

۴ - در مورد اعتراض به بیانات غیردوستانه چنانچه منظورتان موضعگیریهای ملت و دولت ایران در قبال افغانستان باشد دلائل آنرا در بالا گفته‌ام و نیاز به تکرار نیست. در خاتمه تأیید میکنم که ما خواهان استقرار روابط حسنه و مناسبات حسن همجواری واقعی که کاملاً "مبتنی بر اصول عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام به استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی و احترام کامل متقابل با اتحاد جماهیر شوروی باشد هستیم و بر این اساس صادقانه پیشنهادهای زیر را ارائه میدهم که امیدوارم مورد پذیرش شما قرار گیرد:

۱ - ارتش شما کشور مسلمان و همسایه ما افغانستان را تخلیه کند و آن ملت را در تعیین سرنوشت خویش آزاد بگذارد.

۲ - سفارتخانه شوروی در تهران از هرگونه فعالیت غیر - متعارف و مغایر با منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران خودداری نماید و این شامل سرکنسولگریها و دیگر موسسات شوروی در ایران نیز میشود.

۳ - در مورد تقاضای دولت جمهوری اسلامی ایران درباره کاهش متقابل کارمندان سفارتخانه‌های طرفین و نیز تأسیس کنسولگری ایران در شهر دوشنبه و در صورت عدم موافقت تعطیل یکی از کنسولگریهای شوروی در ایران فوراً اقدام نمایند. چنانچه استحضار دارند قرار بود این کارها ظرف مدت یکماه انجام گیرد. ضمناً به سفير ایران در مسکو دستور داده شد که کنسولگری ایران در لنینگراد را فوراً تعطیل نماید.

۴ - از آنجا که دولت جمهوری اسلامی ایران به استقرار ادامه روابط حسنه با اتحاد جماهیر شوروی نهایت علاقه را دارد قویاً "انتظار دارد عوامل شناخته‌شده‌ای که خود را هوادار شوروی معرفی میکنند (سران تربیت‌شده حزب توده و گردانندگان روزنامه مردم) ولی کاری جز اخلال در مناسبات دو کشور ندارند مورد حمایت شما قرار نگیرند.

در خاتمه بار دیگر از صمیم قلب امیدوارم که مطالب عنوان - شده در این نامه مورد توجه دولت اتحاد جماهیر شوروی قرار گیرد و بدین ترتیب است که رمیبه مساعد برای بسط و استحکام بیشتر مناسبات بین دو کشور فراهم خواهد شد.

موقع را برای ابراز احترامات فائقه محترم میسازد.

وزیر امور خارجه - صادق قطب‌زاده

افغانستان

رژیم کارمل در آستانه سقوط

رویدادهای جهان

هرات در تصرف مبارزین افغانی

شهر تجارتي هرات که در نزدیکی مرزهای مشترک ایران و شوروی واقع است، قرار دارد. نمونه بارز عدم توانایی نیروهای نظامی شوروی در کنترل افغانستان میباشد. قوای روسیه جرات وارد شدن به شهر را ندارد و شهردر سه هفته گذشته در کنترل مجاهدین قرار گرفته است. روسها در خارج از شهر در فرودگاهی در ۷۰ کیلومتری هرات مستقر هستند و در تلاشند تا راه هرات - قندهار - روکابل را باز نگذارند. بر روی دیوارهای شهر شعار "روسها و امریکایی ها را بکشید" به چشم میخورد. در سایر شهرها نیز به همین منوال است. قندهار چها رمین شهر افغانستان تقریباً در دست مبارزین است و روسها در خارج از شهر مرکز مخا براتی و فرودگاه را در اختیار دارند. در جلال آباد کوه در شرق کابل قرار دارد و در شب صدای گلوله میاید و گروههای جریکی در حوالی شهر مستقر هستند.

روابط اقتصادی روسیه با شیلی

نشریه "نیواستیتزمن" چاپ امریکا در شماره ۲۵ آوریل امسال برده از مناسبات اقتصادی روبه رشد در ملین و بینو سه دیکتا توریلی برداشته است. بر طبق این نشریه شوروی پس از سقوط دولت ملی آلمند توسط پینوشه در سال ۱۹۷۲، مذاکراتی را برای دادن وام جدیدی به شیلی انجام داد و مناسبات اقتصادی را نسبت به دوران قبل از کودتا با این کشور گسترش داد. بطوریکه واردات روسیه از شیلی که قبلاً به مس محدود میشد پس از روی کار آمدن دولت جدید پس محصولات را در بر گرفت. هم اکنون ۲۰٪ از واردات روسیه از شیلی را کالاهایی غیر از مس تشکیل میدهد و شامل محصولات کشاورزی، ماهی، واکسید مولیبدنیم که در تولید ابزارهای جنگی مصرف میشود میباشد. روابط اقتصادی شیلی در این مورد به شوروی محدود نمیشود بلکه همیما تا ن شوروی را نیز در بر میگیرد و گفته این روزها مبه حجم مبادلات بازرگانی بین کشورهای اروپایی شرقی و شیلی به ۳۳ میلیون دلار در سال تخمین زده میشود.

تصادفهای انتخاباتی هیأت حاکمه آمریکا و واکنش اتحادیه های کارگری

با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری امریکا، جنگ جناحهای "دمکرات" و "جمهوریخواه" به اتحادیه های کارگری کشیده است. اتحادیه های کارگری امریکا که بطور سنتی به "حزب دمکرات" رای میدادند، در این دوره انتخابات به علت بائین بودن محبوبیت کارتر در بین کارگران، بخشی از آنان به حزب جمهوریخواه و نامزد آن یعنی ریگان رای خواهند داد. در نتیجه رهبران اتحادیه های کارگری که در زیر نفوذ "دمکرات ها" میباشد به ۱۰۳ سال زمان وابسته خود رهنمود دادند که یک جریان تبلیغاتی علیه ریگان مبنی بر اینکه وی ضد شکل کارگران و ضد اتحادیه ها، که به آنها وابسته است، میباشد.

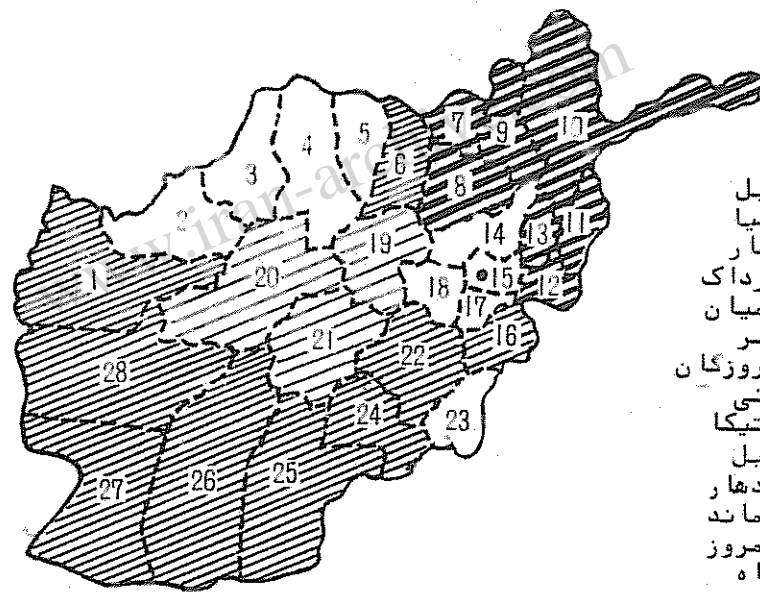
متجاوزان را از افغانستان بیرون نخواهد کشید و راه بیروزی ادامه مبارزه مسلحانه و اتحاد همه نیروهای سیاسی در یک جبهه واحد ملی و میهنی میباشد.

به روسیه از خوبی است، نشان دهنده یوسیدگی سیستم سوسیال - امریکالیسم و سوسیال - فاشیسم میباشد. ولی خلق افغانستان تا بیروزی نهایی راه طولانی را در پیش دارد. شوروی ارتش

گروه سوم که از بزرگ کارمسل جانبداری میکند بر این عقیده است که با خروج نیروهای شوروی رژیم بزرگ کارمسل سرنگون خواهد شد و دولت بدست مجاهدین خواهد افتاد. تشدیدتفا در دروا بستگان

مبارزه مسلحانه مبارزین افغانی و بموازات آن تظاهرات سیاسی مردم کابل و سایر شهرهای افغانستان، رژیم بزرگ کارمسل را به انقباض کابل گشاده است. رژیم دست نشانده کارمسل هم اکنون با تشدیدتفا دهی داخلی و بروز اختلافات خادی در بین مقامات نظامی و غیر نظامی دولت خود مواجه است. این تفا دهایی بجایی رسیده است که تنها تفا دین جناح پرچم (کارمسل) و جناح خلق (حقیقت الله امین) را در بر میگیرد بلکه بدون جناح حاکم پرچم نیز نفوذ کرده است.

طرح موقعیت نظامی در ایالات مختلف افغانستان



ایالات

- | | |
|----|----------|
| ۱ | هرات |
| ۲ | بدغیس |
| ۳ | فاریاب |
| ۴ | جوزجان |
| ۵ | بلخ |
| ۶ | سمنگان |
| ۷ | کوندوز |
| ۸ | باغلان |
| ۹ | تخار |
| ۱۰ | بدخشان |
| ۱۱ | کونار |
| ۱۲ | ننگهار |
| ۱۳ | لغمان |
| ۱۴ | پروان |
| ۱۵ | کابل |
| ۱۶ | پکتیا |
| ۱۷ | لوفگار |
| ۱۸ | وارداک |
| ۱۹ | بامیان |
| ۲۰ | قر |
| ۲۱ | اوروزگان |
| ۲۲ | غزنی |
| ۲۳ | پکتیکا |
| ۲۴ | زابل |
| ۲۵ | قندهار |
| ۲۶ | هلماند |
| ۲۷ | نیمروز |
| ۲۸ | فراه |

مناطق که شدیدترین جنگها در جریان است
مناطق که شدت جنگها در حال افزایش است
مناطق تحت کنترل چریکها و ارتش های قبیله ای

دو ابر قدرت عامل اصلی قحطی و گرسنگی در جهان سوم

امپریالیسم و سوسیالیسم با قدرت و چپاول کشورهای جهان سوم و استثمار سکنه آن و تجاوز، اشغال و برهانداختن جنگ های داخلی در این کشورها عامل اصلی قحطی گرسنگی، فقر، مرض و عقب ماندگی در جهان میباشد. در حال حاضر میلیونها نفر از مردم جهان در اثر کمبود

قرار داده شده و هر روز نیز با تشدید رقابت و تاجا و زات دوا بر قدرت بر تعداد دیگر سنگان افزوده میشود.

اخیرا سا زمان خواروبار و کشا و رزی سا زمان ملل متحد از کلیه مجامع بین المللی خواسته است تا سریعاً با یکن مسئله مبرم رسیدگی و جگان میلیونها نفر از مردم گرسنه را نجات دهند.

بر اساس ارقام منتشره از طرف این سازمان در سال ۱۳۵۸ کاهش میزان تولید غله در جهان به ۶۰ میلیون تن رسیده است. در ۲۵ کشور محتاج جهان کاهش غله ۱۴ میلیون تن بوده است و بیست و سه کشور که اکثر آفریقا طی هستند دچار کمبود شدید مواد غذایی اند و این تعداد ۱۳ کشور بیش از سال قبل است. سازمان خواروبار و کشا و رزی از آغاز سال تا کنون بیست تقاضای کمک غذایی دریافت کرده است. دبیرکل این سازمان گفته است که اکثر تقاضاها و استمدادها ثیکه جهت مواد غذایی شده است نتیجه جنگها و زدو خورد های داخلی بوده است.

با نظری اجمالی به

کشورهای قحطی زده آفریقا و آسیا و ملت های آواره میتوان بسهولة به نقش ابر قدرت روس در وجود آوردن این مصائب پی برد. یکی از این کشورها اتیوپی است که پس از قحطی بزرگ سال ۱۹۷۳ که منجر به تلف شدن صدها هزار نفر مردم این کشور شده هم اکنون نیز دچار قحطی بزرگ دیگری شده است. رژیم دست نشانده دیکتاتور نظامی اتیوپی بکمک مزدوران کوبا طی وسلاحها و کارشناسان روسی به سرکوب و قتل و عام مردم آریتره مشغول است و باعث آواره شدن بیش از یک میلیون از مردم اتیوپی و آریتره به کشورهای سومالی و سودان شده و در خود کشور قحطی و گرسنگی پیدا میکند.

کشور کامبوجیا (کا مپوچ) کشور دیگری است که علاوه بر تلف شدن هزاران کامبوجی در اثر گرسنگی و بی غذایی صدها هزار نفر دیگر نیز در اردوگاههای تایلند بمورت آورده بصرمی برند. این کشور که هفتم ژانویه سال پیش با شغال قوای نظامی ویتنام در آمدیس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۵ و قبل از اشغال نه تنها از نظر

بشردوستانه شان "به جوش آمده حتی بتعهدات خود مبنی بر قراردادن ده میلیون تن خواربار در اختیار سا زمان خواروبار و کشا و رزی عمل نکرده اند. طبق گزارش این سازمان ده میلیون تن کمکهای غذایی اضطراری که ۶ سال پیش قرار شد در اختیار این سازمان قرار دهند به تحقق نپیوست.

این محافل "بشردوست" امپریالیستی بجای قرار دادن کمک های غذایی در اختیار سا زمان خواروبار و کشا و رزی سا زمان ملل متحد میلیونها تن غله به کرملین فروشنده تا این خرس قطبی را فریب تر و حریص تر نکنند. آنها در واقع ب فکر منافع حاصله از فروش غلات خود به تزارهای نوین هستند تا ب فکر کشورهای قحطی زده و فقیر آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین.

قحطی، گرسنگی و فقر در جهان سوم محصول امپریالیسم است و طبیعتاً حل این مسائل در ما هیت چنین نظامی نیست حل این مصائب تنها و تنها در گرو محو و ضحلال خود نظام امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم است نه در ادا مه آنها.

سنگال و بنگلادش رژیم دست نشانده ویتنام در کامپوچیا ابر سمیت نخواهند

پس از تاجا و زویتنام به کامپوچیا، رهبران ویتنام کوشش بسیار نمودند تا سایر کشورهای رابه شنا سایی رژیم دست نشانده خود در کامپوچیا بکشا نندولی توطئه های دیپلماتیکشان هر باره شکست خورده است. اخیراً رئیس جمهور سنگال، لئوپولد سنگ هور" ضیا الرحمن رئیس جمهوری بنگلادش مواضع کشورشان را در قبایل تاجا و زویتنام مجدداً بیان کردند. ضیا الرحمن در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرگزاری چین نوگفت: "تنها راه حل عادلانه مسئله کامپوچیا، پیاپی ده کردن قطعنامه سا زمان ملل در این مورد است. نیروهای نظامی خارجی با یداز کامپوچیا بیرون بروند و مردم کامپوچیا آزاد باشند تا در باره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند". لئوپولد سنگ هور نیز هنگام میکه سفیر کامپوچیا استوار نامه خود را بوی تقدیم میکرد اظهار داشت: "یکی از اصول هدایت کننده سیاست خارجی سنگال عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها میباشد. درست بهمین خاطر است که ما روابط همکارانه خود را با کشور کامپوچیا دمسکراتیک حفظ کرده ایم. وزمانیکه یک کشور خارجی کشور شما را اشغال نمود و مردم را قتل عام کرد ما حاضر به رسمیت شناختن دولتی که دست نشانده خارجی میباشند نیستیم. سنگال همواره از دولت کامپوچیا دمسکراتیک و از طریق آن از خلق کامپوچیا پشتیبانی نموده است."

رنجبر و خوانندگان

نامه به هیئت تحریریه

دوستان عزیز رنجبر امیدوارم که در راه پرشکوه خدمت بخلق موفق و پیروز باشید.

من در حدود ده ماه است که رنجبر را بدقت میخوانم و از رهنمود شما خدمتگزاران رنجبر کمال استفاده را مینمایم. بدلیل صداقتی که در انعکاس واقعیات جامعه بکار میبرد بی نهایت سپاسگزارم و به وجود چنین روزنامه و چنین انسانهایی که خود را وقف استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مردم نموده اند تبریک میگویم و افتخار میکنم

منتها مسئله ای که بنظر من میرسد در اینجا مطرح کنم و شما عزیزان هم مطمئناً برای آن اهمیت زیادی قائل هستید، اینست که سعی کنید در مقالات و گزارشات خود حداقل کوشش را بکار ببرید که ساده و قابل فهم توده مردم باشد. من اعتقاد دارم که توده مردم برای شامه چیز است و یقیناً به این نکته توجه کافی خواهد نمود. من خود یک کارگر ساده هستم. گاهی رنجبر را برای کارگران بیسواد میخوانم. باور کنید کافی است یکبار برای همکاران کارگر رنجبر را بخوانم علاقه عجیبی به آن پیدا می کنند.

تنها مشکلی که وجود دارد این است که خودم هم با ید ضمن خواندن برای آنها توضیح بدهم، البته برای من زحمتی ندارد، اما حیف میآید روزنامه ای که متعلق به رنجبران این مملکت می باشد آنچنان ساده و قابل فهم نباشد که احتیاج به توضیح داشته باشد. بعضی مقالات و گزارشات از زبان ساده و روانی برخوردار است میتوانم مقاله "وحدت کلمه یا تفرقه کلمه" چند شماره پیش رنجبر را در این مورد مثال بزنم. اما بهتر است کوشش شود تمام مقالات و گزارشات از این سبک بسر خوردها ربا شد. اگر سعی شود در مقالات از ضرب المثل ها و اشعار با معنی استفاده شود بسیار خوب است. قدر لذت داشت

وقتی در سرمقاله نا مسبرده خواندم بدلیل خیانت چیناهای وطنی به جنبشهای خدامپریالیستی این آب و خاک و موضع غلط بعضی عناصر وطن پرست ولی نا آگاه در مقابل کمونیستهای راستین از این شعر معروف استفاده کرده بودید. گنه کرد در بلخ آ هنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری.

با امید موفقیت و پیروزی شما در مبارزه برای استقلال کشور علیه دوا بر عدالت آمریکا و روسیه.

ارادتمند محمّد

شعری برای رنجبر

در میدان فوزیه سابق، هنگام فروش رنجبر با پیرمردی که بساط تیراندازی داشت شروع به صحبت در باره رنجبر کردم. در آن خرابای شوق و احساس و آفریه گوشه ای رفت و گفت که میخواد هم شعری برای رنجبر بنویسم.

در مدت نیم ساعت شعری برای رنجبر ساخت، برای آنهایی که در همه زمان زبریوغ ستگران هستند. این قطعه در عین حال انعکاس کار رودر آن پیرمرد است.

در دهرگر وجود همین رنجبر نبود بیرون ز زیر خاک سیه سیم زرنیود از بهر رنجبر دنیا آفریده شد گر رنجبر نبود زبناها اثر نبود صدحیف رنجبر به توارش نمیدهند گرتون نبودی بهر زمانه ضرر نبود خوراکا غنیا شود آیره های چاق خوراک شو همیشه ز خون جگر نبود ای رنجبر تو غصه بخور غم غذای تو از بهر خانه های غنی تخت زرنیود ای شاعر زمان ز حقیقت بگو سخن شاعر اگرچه حق شود، در بدر نبود عباس خدیوی خلخال

نامه سرگنده محمدجواد حجتی کرمانی به نخست وزیر:

از همه نیروهای مسلمان مکتبی نه شرقی نه غربی در کا بینه بهره گیری کنید

شما باید سعی کنید این جو تهمت و افترا و طرد و دفع و نفی و حمله و هجوم و هیجان بجو آرام پر تفاهم و جوش و خروش و فعال و سازنده و برادرانه تبدیل شود

راه، با همه اشخاص و جریانها، با جاری چه صد در صد آنها موافق باشید یا نه، مشورت کنید، مشورت که ضرر نداشت، همه را به حساب بیاورید... همچنین بگویم که هیئت منتخب مجلس چنین نکردند و این را برای شیت در تاریخ باید نوشت.

۲- طرد و نفی و بی اعتنائی و یکطرفه اندیشیدن و عمل کردن و دیگران را بحساب نیاوردن خطرناک است. عده ای برادران ما با همه حسن نیت و مکتبی بودنشان بخاطر این روش مورد انتقاد و حتی مخالفت سخت قرار گرفته اند و آنها هم باید به راه ما بیاورند.

۳- جوسازی، باندبازی و روابط ناپایستی در کار شما موثر باشد با همه افترا و گروههای مسلمان باید تماس داشته باشید و از افکار و ایرادات و راهنماییهای آنها استفاده کنید.

۴- افرادی هستند که از نظر شرع و مکتب ناپایدارند، کارها با آنها نمیتوان از آنان در امور دیگر استفاده کنیم. افرادی دیگر ناپایدارند آنچنان لجن مال کرده نتوان بهیچ وجه از آنان استفاده کرد مسئله تخصص پس از ایمان است ولی یک مومن غیر متخصص در باره ای از موارد... همانگونه فاجعه آفرین است که یک متخصص غیر مومن ...

۵- متاسفانه "مکتبهای" ما در همه جا دارند به جوتحریک

حجت الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی خطابه آقای محمد علی رجایی نخست وزیر جمهوره، اسلامی ایران طی یک نامه سرگنده با حرکت از خط امام و با اشاره به سخنرانیهای امام خمینی نقطه نظرهای خود را در مورد انتخاب هیات وزیران آینده بر شمرد و با تاکید بر وحدت و اجتناب از حزب گرایی چنین نوشت: "ما را عقیده بر آنست که دولت باید در جهه مردم باشد و چون توده مردم عضو هیچ دسته و حزبی نیستند، دولت اسلامی ایران نمی تواند دولتی حزبی باشد و با از خط مشی ترسیم شده از جانب احزاب پیروی کند". وی در مورد خصلت حکومت اسلامی همچنین افزود: "خصلت حکومت اسلامی با سلطه گیری به تهدید و تطمیع سیاست مآب و باندبازی بکلی نیتابین است".

حجت الاسلام حجتی کرمانی در مورد نفی کیش شخصیت افزود: "اما مکتب شخصیت را به شکل نفی می کنند و هر کجا ما زما چه علنی و چه سیاست ما با نه دارای این کیش باشیم در خط امام نیستیم و نمی توانیم مدعی باشیم مقلدان ما میم". وی سپس با اشاره به عملکرد آقای رجایی در وزارت آموزش و پرورش، ایشان را به پیروی از سیاست هم دفع و هم جذب دعوت نموده و چنین نوشت: "برادران عمل کرده شما در وزارت آموزش و پرورش نشان میدهند که شما صد در صد مکتبی

فروخته اید. ما قبول نکردیم و گفتیم اگر اجازه خواندن روزنامه بماند، ما هم به ماشینها دیگر نگاه نخواهیم کرد و بالاخره با حساب اینکه ماشینهای دیگر را بکار نماندیم ما اجنازه روزنامه خواندن داد. به نظر من وضع کار رگران نسبت به سابق بدتر شده. اگر کمی حقوقها را زیاد کرده اند در عوض هزینه زندگی سرسام آورده است. ما از کتا رگیلاس و آلبا لوف فقط رد میشویم و آنها را از ما بهتران و کارفرمایان فقط میتوانند بخورند و بخورند.

فقط باید ۲۵۰۰ تومان بدهد و من هم با لاجبا ربه این مختصر راضی شدم زیرا که یکسال و ۶ ماه بیکار بودم.

وزارت کار از چه کسبی حمایت میکند؟ اینها که به اصطلاح انقلابی اند و عکس شاه را برداشتن و عکس امام را به جای آن گذاشتند؟ آنها که هر کجا مشان ماشین آخرین سیستم زیر پایشان است، از کارگر حمایت میکنند؟

کارفرما میگوید که حق ندارد در حین کار روزانه بخواند یا کتاب بخواند، چون ۱۲ ساعت خودتان را به من

مصاحبه با یک کارگر بافنده درباره شرایط کار، دستمزد و تشکل کارگران

من در تهران نواست در حالیکه در جنوب شهر زندگی میکنم و از این نظر علاوه بر ۱۲ ساعت کار، چند ساعت هم صرف رفت و آمد میشود.

سؤال: علت اینهمه بی عدالتی را در چه میبینید؟

جواب: دولت به وضع کار رگران توجه ندارد و این عدم اتحاد کارگران است، ما با هم اتحاد نداریم، در حالیکه کارفرماها کاملاً با هم متحد هستند. کارفرماها دائماً از وضع کارگرها نشان بهم اطلاع میدهند و از یکدیگر حمایت میکنند. اگر ما کارگران با هم متحد بودیم از هیچ چیز نمی ترسیدیم. ولی حالا که تنها هستیم میترسیم. ما یک سندیکا در خیابان لاله زار داریم ولی من تا بحال به آنجا نرفته ام. چند وقت قبل یک جلسه (با یک میتینگ) در مسجد امام خمینی برگزار شد و برای برگزاری آن جلسه اجازه رسمی هم داشتند. طبق معمول کارفرماها هم آمدند. یک نفر از طرف سندیکا صحبت کرد و خواستههای ما را با این شرح اعلام کرد: هشت ساعت کار، بهداشت محیط کار، هر کارگر فقط یک ماشین را بگرداند تا کار برای کارگران بیگارا ایجاد شود.

با یک کارگر زحمتکش بافنده به گفتگو نشستیم. این کارگر در تهران کار میکند و در این گفتگو از وضع کار، زندگی طبقه کارگر، سرمایه داران و... سخن گفته است که در زیر آنرا میخوانید.

سؤال: مختصری از وضعیت کار خودتان بگوئید.

جواب: من ۱۲ ساعت بصورت دو شیفته کار میکنم و شبهای جمعه ساعات کار ما به ۱۸ ساعت میرسد و در ضمن یک هفته شب کار رو یک هفته روز کار هستیم. چرا ما باید ۱۲ تا ۱۸ ساعت کار کنیم، در حالیکه کارفرما با ۸ ساعت کار سود ویژه میبرد از (رنجبر - البته این مصاحبه قبیل از لغو سود ویژه انجام شده است) اگر کارگری مریش بشود و یا بهره علنی نتواند سرکارش حاضر بشود، کارگر دیگر مجبور است جورا ورا بگذرد و ساعات کار او به ۲۴ ساعت میکشد.

سؤال: چرا شبهای جمعه ۱۸ ساعت و یا بیشتر با یکدیگر بکنید؟

جواب: برای اینکه کارفرما به منافع خودش ضرر نخورد و کارگر در آنکه شب جمعه تا ساعت یک بعد از ظهر روز بعد و همچنین کارگر دیگر از ساعت یک بعد از ظهر تا ساعت هفت روز بعد کار میکنند و این بعلمت آنست که ماشینها نخواهند، اگر کارگر ماشینها را خاموش کنیم برای کار مجدد مدتی وقت برای گرم شدن ماشین لازم است.

سؤال: آیا بیمه هستید؟

جواب: کارفرما اصراً داشت که بیمه بشوم. ولی من که ۱۲ ساعت کار میکنم و همه ساعات کار من هم شب بود، نمیتوانستم بدنبال کار بیمه بروم تا اینکه یک روز رفتیم و دیدم که کارفرما حق بیمه مرا

نامه عده ای از کارگران چاپ آقای وزیر کار، فکر نکنید ما کارگران از حق خود میگذریم

فهمیم؟ زهی خیال باطل! نمیتواند کارگر خوب میفهمد اما انقلاب دست و پای او را بسته است چون هر حرکتی که کارگران علیه تو و تو هم دستان تو میکنند بود شرق و غرب تمام میشود و به همان منظور است که ساکت نشسته ایم.

کارگران جیت سازی برای احقاق حق خود سینه در جلوی مسلسل های رژیم خون آشام پهلوی سپردند و وحق خود را گرفتند و فکر نکنید که کارگران شریف و زحمتکش از حق خود میگذرند.

ما کارگران از پیشگاه رهبران انقلاب میخواهیم که نظری به احوال ما کارگران بنیاد زده هیئتی را مامور رسیدگی به اعمال این وزیر

جناب آقای وزیر کار ما کارگران زحمتکش را با امیریا لیسما مریکا اشتباه گرفته اید.

آقای وزیر کار مگر ما کارگران چه میز متری به شما فروخته ایم که هر روز دشمنهای در پشت خسته از کار ما فرو میکنند؟ مگر شما فریاد نمی زنید ما پشتیبان مستضعفین هستیم. آیا معنی این شعارهای عوام فریب شما این است؟ این قانونهاست که شما دارید، قانونهاست که کارفرماست که در راس یک وزارتخانه باشد. بخدا میتوانیم قسمی بکنیم که اگر به یک کارفرما پست وزارت کار را میدادند این قدر که شما به ما کارگران ظلم که تا وضع مملکت کم میزنید

میرداد از (رنجبر - البته این مصاحبه قبیل از لغو سود ویژه انجام شده است) اگر کارگری مریش بشود و یا بهره علنی نتواند سرکارش حاضر بشود، کارگر دیگر مجبور است جورا ورا بگذرد و ساعات کار او به ۲۴ ساعت میکشد.

سؤال: چرا شبهای جمعه ۱۸ ساعت و یا بیشتر با یکدیگر بکنید؟

جواب: برای اینکه کارفرما به منافع خودش ضرر نخورد و کارگر در آنکه شب جمعه تا ساعت یک بعد از ظهر روز بعد و همچنین کارگر دیگر از ساعت یک بعد از ظهر تا ساعت هفت روز بعد کار میکنند و این بعلمت آنست که ماشینها نخواهند، اگر کارگر ماشینها را خاموش کنیم برای کار مجدد مدتی وقت برای گرم شدن ماشین لازم است.

سؤال: آیا بیمه هستید؟

جواب: کارفرما اصراً داشت که بیمه بشوم. ولی من که ۱۲ ساعت کار میکنم و همه ساعات کار من هم شب بود، نمیتوانستم بدنبال کار بیمه بروم تا اینکه یک روز رفتیم و دیدم که کارفرما حق بیمه مرا

میرداد از (رنجبر - البته این مصاحبه قبیل از لغو سود ویژه انجام شده است) اگر کارگری مریش بشود و یا بهره علنی نتواند سرکارش حاضر بشود، کارگر دیگر مجبور است جورا ورا بگذرد و ساعات کار او به ۲۴ ساعت میکشد.

سؤال: چرا شبهای جمعه ۱۸ ساعت و یا بیشتر با یکدیگر بکنید؟

جواب: برای اینکه کارفرما به منافع خودش ضرر نخورد و کارگر در آنکه شب جمعه تا ساعت یک بعد از ظهر روز بعد و همچنین کارگر دیگر از ساعت یک بعد از ظهر تا ساعت هفت روز بعد کار میکنند و این بعلمت آنست که ماشینها نخواهند، اگر کارگر ماشینها را خاموش کنیم برای کار مجدد مدتی وقت برای گرم شدن ماشین لازم است.

سؤال: آیا بیمه هستید؟

جواب: کارفرما اصراً داشت که بیمه بشوم. ولی من که ۱۲ ساعت کار میکنم و همه ساعات کار من هم شب بود، نمیتوانستم بدنبال کار بیمه بروم تا اینکه یک روز رفتیم و دیدم که کارفرما حق بیمه مرا

صورتها در معنوی خصوصی در جلسات آنچنان سخن از مکتب و غیر مکتب میگویند که آدم نمیداند این آدم غیر مکتبی را چرا امام تا ثیدی کند و بر سر کار می گمارد؟ و یا چرا پیوسته می گوید از او پشتیبانی کنید و با هم همکاری کنید؟...
حجت الاسلام حجتی کرمانی در نامه سرگشاده خود به چند معیار از مکتبی بودن اشاره کرده و در پایان به ضرورت تقویت رهبری امام تا کید نمود و افزود: "من رهبری امام را رکن انقلاب میدانم و از کسایکه خود را دلسوزان رهبری قلمداد می کنند و سخن از تجربه می گویند که میباید تا تکرار شود، نه تنها مخلص میدانم بلکه مغرض و تفرقه افکن میدانم و غیر قابل سازش... با اینها باید گفت که نه بینی صدر مصدق است و نه امام، آیت الله کاشانی..."

نیست. چون فقط دفع است و از جذب خبری نیست، نمیدانم شاید اشتباه کنم ولی همه مکتبیون "چند در مجلس وجه در بیرون مجلس جنبه" دفع مکتب را میگیرند و جنبه جذب آنرا در عمل فراموش میکنند. میدانید چرا؟ چون این دومی هم حوصله می فرماید و آن می خواهد هم دقت و هم طرافت کاری و روانشناسی.
حجت الاسلام حجتی کرمانی با اشاره به روش ریاست جمهوری مبنی بر این که رئیس جمهور بیشتر به جنبه "جذب" توجه دارد و در جنبه "دفع" ضعیف است، ضمن تاکید بر سخنان امام، آقای رجایی را در امر انتخاب کا بینه و پیش بردن موربه توجه به نکات زیر مدت نمود:
۱- سعی کنید از همه نیروهای مسلمان مکتبی نه شرقی نه غربی برای تشکیل کا بینه بهره گیری کنید و در این

داران بیرون بکشند. خداوند اسایه ایمن رهبر کبیرا انقلاب را از سر ما قشر زحمتکش کوتاه مکن. امین یا رب العالمین.
از طرف کارگران صنف چاپ
رونوشت دفتر امامت
دفتر ریاست جمهوری
دفتر نخست وزیری
مجلس شورای اسلامی
روزنامه اطلاعات
روزنامه مه کیهان
روزنامه جمهوری اسلامی
روزنامه صبح آزادگان
روزنامه مهر نجیر

چنین بر سر ما کارگران می آورید.
از روزی که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی و به پشتیبانی ملت مستضعف به پیروزی رسید و دولت جناب آقای مهندس بازرگان بر سر کار آمد و جناب آقای داریوش فروهر را به سمت وزارت کار برگزید آن را در مردی که هرگز زیر بار وعده های امیرالایسم نرفت، وضع ما کارگران داشت جان میگرفت. اما نمیدانیم چه کسی با ما کارگران دشمنی داشت که مردی با ماسک اسلامی و در پشت آن چهره... خود را پنهان کرد و در دلتش به ریشه کارگران میزند. شما فکر میکنید که ما کارگران نمی...

صورت هم در سرچ...
برای تفریح و خوشگذرانی به خارج میروید؟
سؤال: آیا وزارت کار به شکایات شما رسیدگی میکند؟
جواب: در کارگاهی که قبلا کار میکردیم در مقابل ۱۲ ساعت کار فقط ۸۰ تومان می گرفتیم و یک هفته شب کار و یک هفته روز کار بودم. در همان موقع پرس حقوق با کار فرما اختلاف پیدا کردم و او حاضر نبود ده هزار تومان رشوه بدهد ولی یک قران به حقوق من اضافه نکند. من به وزارت کار شکایت کردم و در حدود ۶ ماه بعد نسیال این شکایت بودم (هم قیبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب) با اداره وزارت کار رینفع کار فرما حکم صادر کرد و گفت که کار فرما

واقعی به بیمه گزارش میدهد و یا میگوید کارگرهای ما دانشی نیستند. نما ینده بیمه هم جانب کار فرما را میگیرد.
سؤال: جقدر مزد میگیرید، با چند ماشین با فندهای کار میکنید و محیط کار شما از نظر بهداشتی چگونه است؟
جواب: در مقابل ۱۲ ساعت کار فقط ۹۰ تومان مزد میگیریم من در آن واحد با سه ماشین کار میکنم و کارگاهها اسفند است. اغلب کارگاهها در زیر زمین است و به زندان شباهت دارد. کارگران رنگ پریده اند و اکثر بیمه نیستند، در حالیکه تا ۱۸ ساعت کار میکنند. محل کار

هشدار آیت الله منتظری به مفتی اعظم مصر

آیت الله منتظری سپس میافزاید: آیا مفتی مصر عمل انور سادات را تائید میکنند که انور سادات در دین اسرائیل و بیگین همکاری میکند. عمل سادات را هم که با آمریکا دارد همکاری میکند و کشور مصر را در اختیار آمریکا قرار داده میخواهد با هم همکاری کنند. آیا این عمل را تائید میکنید؟ این گلهای است که ما داریم و مواظب باشید که متوجه بشوید و مواظب باشید که این دست آمریکا و بر قدرتهاست که میخواهند بین مسلمانان اختلاف درست کنند.

پس از موضع گیری مفتی اعظم مصر در مورد انقلاب ایران و رهبری آن، آیت الله منتظری خطاب به مفتی های کشورهای اسلامی به تفرقه افکنی ابر قدرتها و لطمه زدن به وحدت مسلمانان جهان هشدار داد. وی در نماز جمعه تم گفت: امام بحرین یا مفتی مکه یا مفتی کویت یا مفتی مصر دیگر هیچ منکری را در دنیا سراغ ندارند فقط انقلاب اسلامی ایران و کارهای رهبری انقلاب منکر بوده است که در وقتی که اسرائیل میخواهد بیت المقدس را ضمیمه کشور خویش بکند... آنوقت بایستی به انقلاب اسلامی ایران حمله کنند.

جراید: رقابت انتخاباتی بین جیمی کارتر و رونالد ریگان برای احراز ریاست جمهوری آمریکا وارد آخرین مرحله خود میشود.

